



مشاوره و نقش آن در زندگی



به نام خداوند جان و خرد

مشاوره و نقش آن در زندگی

گردآورنده: تیم حقوقی مؤسسه ندای زن - افغانستان

خزان ۱۳۹۵



Voice of Women Organization مؤسسه ندای زن

شناسنامه کتاب:

- نام کتاب: مشاوره و نقش آن در زندگی
گردآورنده: تیم حقوقی مؤسسه ندای زن - افغانستان
ناشر: مؤسسه ندای زن - افغانستان
نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
تاریخ چاپ: خزان ۱۳۹۵
امتیاز: تألیف این اثر متعلق به مؤسسه «ندای زن» است
و حق چاپ و نشر آن برای این مؤسسه محفوظ می‌باشد.

فهرست

پیش گفتار ۹

مقدمه ۱۱

فصل اول

مفهوم شناسی

الف) تعریف شورا ۱۳

۱- تعریف لغوی شورا ۱۳

۲- تعریف اصطلاحی شورا ۱۴

ب) تعریف لغوی ۱۵

۱- تعریف لغوی مشاوره ۱۵

۲- تعریف اصطلاحی مشاور ۱۷

فصل دوم

مبانی مشاوره

اول) مبانی اسلامی شور و مشاوره ۱۹

۱- مشوره از منظر قرآن کریم ۲۰

۲- مشوره از منظر سنت نبوی ۲۱

دوم) اهمیت مشاوره و جایگاه آن در قوانین موضوعه: ۲۳

۲۴	سوم) اهداف مشاوره
۲۸	چهارم) انواع مشاوره
۳۳	پنجم) فرایند مشاوره
۳۳	۱- پیدا کردن مشکل
۳۶	۲- جستجوی راه حل منطقی

فصل سوم

اصول و مهارت‌ها

۳۷	اول) اصول مشاوره
۴۲	دوم) خصوصیات و مهارت‌های مشاوره
۴۱	۱- مهارت‌های عمومی
۴۶	۲- مهارت‌های خاص
۵۰	سوم) مسئولیت‌ها و وظایف مشاور

فصل چهارم

صلاحیت‌ها و عدم صلاحیت‌های مشاور

۶۱	الف: صلاحیت‌های مشاور
۶۶	ب: عدم صلاحیت مشاور
۶۷	۱) حکم‌کننده نیست
۶۸	۲) عدم استفاده از کلمات و عبارت نامناسب
۷۰	ج: پیامدهای مشاوره
۷۰	اول) پیامدهای مثبت مشاوره
۷۶	۱- حل منازعه
۷۶	۲- ایجاد مصالحه
۷۶	۳- کسب رضایت طرفین و رفع کدورت‌ها
۷۷	دوم) پیامدهای منفی مشاوره
۸۰	سوم) چگونگی ارجاع مستفیدین
۸۰	۱) ارجاع قضایا جهت اخذ مشوره

۸۱ ارجاع قضیه جهت حل مشکل مستفید شونده:
۸۲ نتیجه گیری

فصل پنجم

آشنایی با نهادهای ارائه کننده خدمات حقوقی رایگان

۸۶ ریاست امور زنان
۸۷ ندای زن
۸۹ دارالمشوره حقوقی رایگان
۹۰ آمریت مساعدت های حقوقی
۹۲ انجمن مستقل وکلای افغانستان
۹۳ مؤسسه NRC
۹۴ کلینیک حقوقی پوهنتون هرات
۹۶ د قانون غوشتونکی
۹۷ میدیکا افغانستان (Medica Afghanistan)
۹۹ منابع و مأخذ:

پیش‌گفتار

حمد و سپاس خداوند منان را که توفیق گردآوری رساله حاضر را به ما عنایت نموده است. هدف کلی از نگارش این اثر، گردآوری موضوعات مهم مشاوره می‌باشد که از جمله موارد مهم در مشاوره، چگونگی مصاحبه یا گفتگو با فرد نیازمند، مهارت‌های مشاوره و آموزش‌های روان‌شناسی است. این اثر مباحث مختلفی را در خود گنجانیده است از جمله: تاریخچه مشاوره و راهنمایی در اسلام و جهان، مفاهیم و شناسانه مشاوره، دیدگاه اسلام در خصوص مشاوره و اهمیت آن در این مکتب، بیان اصول و مهارت‌های لازم برای مشاوره، مبانی اخلاقی و دینی و چگونگی کاربرد آن در عرصه‌های مختلف زندگی و افراد نیازمند به مشوره، بیان فرایند مشاوره و در اخیر این نوشته، مراکز و نهادهایی که در عرصه‌های مشاوره برای مراجعین و نیازمندان فعالیت دارند، به معرفی گرفته شده است. این تحقیق به صورت فشرده در راستای اهداف ذیل نگاشته شده است:

- تبیین و تعیین راهکارهای مناسب جهت ارائه بهتر خدمات راهنمایی

و مشاوره برای مراجعین

- تعیین و تبیین ویژگی‌های مشاوران واجد صلاحیت

- ارتقاء سطح فعالیت‌های خدماتی مشاوره.
- دادن آگاهی‌های دقیق در مورد خدمات صحیح راهنمایی و مشاوره برای نیازمندان در این خصوص.
- برقراری ارتباط با افراد متخصص و متنفّذ برای ارائه خدمات مشاوره.
- حفظ مصالح انسانی و اسلامی افرادی که نیازمند به خدمات مشاوره‌اند.
- تلاش برای ارائه مناسب‌ترین راهکارهای مشاوره‌دهی برای مشاوران.
- این تحقیق در واقع اساسی‌ترین گامی است که از سوی تیم حقوقی موسسه محترم "ندای زن" به رشته تحریر درآمده است.
- امید است مطالب این اثر تحقیقی، برای آنانی که در حوزه مشاوره و فعالیت‌های اجتماعی فعالیت دارند، به‌خصوص برای وکلای محترم، اربابان و متنفّذینی که نقش بسیار ارزنده و سازنده در جهت رفع مشکلات مردم دارند، مفید واقع شود.

مقدمه

عقل را با عقل دیگر یار کن

امرهم شوری بخوان و کار کن «مولانا»

همه ما غالباً در معرض مشکلات و مسائلی قرار می‌گیریم که به دلیل محدود بودن دانش و تجربیات ما نیاز به هم‌فکری با دیگران پیدا می‌کنیم. می‌دانید که حتی با ثبات‌ترین افراد نیز گاهی از بحران‌های عاطفی مصون نیستند. تحولات و تغییراتی که در زندگی رخ می‌دهد مانند قبولی در پوهنتون، ازدواج، دورشدن از خانواده و دوستان، بیماری و از دست دادن آنهایی که دوست‌شان داریم، گاهی ما را دچار اضطراب، تردید، نگرانی، تعارض و حتی بحران می‌سازد.

انسان موجودی است اجتماعی و باید در اجتماع زندگی کند؛ چون انسان جزء لاینفک اجتماع است و لذا خالی از حاجات و نیازها نمی‌باشد و این نیاز ناشی است از روابط افراد در اجتماع، همچنان وجود او در اجتماع و مکلفیت‌هایی که در قبال دیگران دارد. همان طور که خودش در مقابل دیگران مکلفیت دارد، برعکس دیگران نیز در مقابلش مکلفیت دارند. پس انسان ناچار از روابط با دیگران است؛ لذا بر اساس این روابط است که عضویت

در اجتماع را حاصل می‌کند و اگر با مشکلات هم روبه‌رو شود، مجبور است به افراد خبره مراجعه کند و مشکلات خویش را با آنها در میان بگذارد؛ به‌خاطر اینکه هیچ انسانی ذاتاً جامع‌الکمالات نمی‌باشد تا هر چیز را خودش درک کند و از عهده آن برآید؛ لذا برای رفع آن مجبور است که با دیگران شور و مشورت کند تا راه‌حل عاقلانه را بیابد. پس آن چیزی که ما را برای فائق‌شدن به آنچه نمی‌دانیم و یا در مورد آن شک داریم کمک می‌کند، شور و مشورت است.

بنابراین می‌توان گفت که راهنمایی و مشاوره به معنای عام آن به قدمت تاریخ بشر است؛ زیرا انسان‌ها از همان آوان آفرینش‌شان محتاج راهنمایی در امور زندگی بودند. از روزی که بشر پا در عرصه حیات گذاشته است، راهنمایی و مشاوره هم بوده است. پس می‌توان گفت راهنمایی و مشاوره، امر اجتناب‌ناپذیری است و بقای بشر بسته به یابوری متقابل انسان‌ها در زندگی‌شان دارد. انسان در بُعد فردی و اجتماعی نیازمند و محتاج کمک و یاری دیگران‌اند؛ و لزوماً کسانی می‌توانند در این عرصه ما را کمک کنند که دانش و تجربه کافی در این امر را داشته باشند، تجربه در واقع دانشگاهی است که افراد با ازدست‌دادن سال‌های متمادی از زندگی‌شان، توانسته‌اند آن را به دست بیاورند؛ و مشاوره در واقع این دانش چندین‌ساله را که به بهای عمر مشاور به دست آماده است، با طبق اخلاص در اختیار مشوره‌گیرنده قرار می‌دهد، تا از آن به عنوان مناسب‌ترین و بهترین گزینه جهت دست‌یابی به زندگی سالم و شاد، استفاده شود.

فصل اول

مفهوم‌شناسی

شناخت، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای درک متقابل میان افراد می‌باشد. واژگان و عبارات نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ زیرا الفاظ و عبارات هر کدامشان برای یک مفهوم خاصی وضع شده‌اند، ولی برخی اوقات یک کلمه مفاهیم متعددی را افاده می‌کند؛ به همین دلیل است که مفهوم‌شناسی در تحقیقات از اهمیت خاصی برخوردار است.

الف) تعریف شورا

تعریف لغوی: شورا، مشوره و مشاور، کلمه‌هایی عربی‌اند که مفاهیم مختلفی را افاده می‌کنند. «شور/ مشورت کردن: رأی‌زدن» در عربی تنها به این معنی نیامده بلکه به معنی چیدن عسل، ریاضت‌دادن اسبان، تا سوار شوند بر آنها در وقت فروش و آزمایش، فربه‌شدن (شتر و اسب) و هویدا کردن، استعمال شده

است.^۱ در لسان العرب آمده است که: «أشار عليه بالرأى، و أشار يشير، زمانى که رأى و نظرى را بیان دارد».^۲ شورا مصدر است مانند فتيا به معنای تشاور.^۳ تشاور یعنی استخراج رأى.^۴ تشاور در لغت به معنای استجماع رأى نیز بکار رفته است.^۵

۲- تعریف اصطلاحی شورا

علما در روشنى معنای لغوى شورا و مشورت، تعاریف مختلفی از شورا و مشورت ارائه داده‌اند که اینک به برخى از آنها اشاره می‌شود:

- همکارى برای یک‌جا کردن رأى عموم در رابطه با موضوعى خاص، تا صاحب آن از درست‌بودن آن اطمینان حاصل کرده و بر اساس آن مسئولیت را بپذیرد؛ و یا جمع کردن آراء عمومى در رابطه با قضیه عام تا چنین نشود که یک فرد از روی دیکتاتورى آن را انجام دهد و جمعى باز مسئولیت آن را به دوش کشند.^۶

از تعاریف فوق دانسته می‌شود که شورا و مشورت عبارت از این است که تعدادى از انسان‌ها یا جمعى از اهل رأى و نظر و یا گروهى از افراد خبير و آگاه به خاطر غور و بررسى پیرامون موضوعى مشخص در یک جا جمع شوند و هر کدام نظر خود

۱. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۰۸۵.

۲. لسان العرب، ج ۳، ص ۳۹۱.

۳. تفسیر النسفی، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴. جامع الاحکام القرآن، ج ۳، ص ۱۷۲.

۵. التفسیر الكبير، ج ۶، ص ۱۰۶.

۶. الشورى و الديمقراطية: اشکالات المصطلح و المفهوم، ص ۱۰.

را ابراز کنند تا در نتیجه، رأی و نظر صواب و نزدیک به حق به دست آمده، احتمال خطا به حداقل ممکن برسد.

ب) تعریف مشاوره

۱- **تعریف لغوی:** مشاوره، کلمه‌ای عربی و یک مصدر است. معنای واژگانی آن، مشورت کردن و اقدام به تشکیل شورا و مشورت با دیگران است. همچنان مشاوره به معنی همکاری کردن و رأی دیگری را در انجام کاری خواستن است. همچنین به راهنمایی به هدایت، رأی زنی، نشان دادن راه، رأی زنی با برخی از متخصصان و راهبری اشاره دارد. راهنما کسی است که دیگری را هدایت کند. راهنما به معنی ورقه‌ای آماده است که در آن شخصی را از امور معینی آگاه کند مثل راهنمای شهر. عمل نشان دادن راه و ارائه طریق را نیز راهنمایی می‌خوانند.

مشاوره از لغت «شور» مشتق شده و به معنی استخراج و بیرون آوردن است. مشورت، استخراج رأی است از فرد مورد پذیرش؛ زیرا که رأی از او اخذ می‌شود. در کتب لغت فارسی، «شور» به معنی مشورت کردن، رأی دادن و رأی زنی کردن ذکر شده است.

تعریف اصطلاحی: همان‌گونه در مفهوم لغوی مشاوره تصریح شد، مشاوره در خصوص ریشه آنکه عربی است از باب «مفاعله» است؛ یعنی دو طرف قضیه علاقه‌مند به مطرح کردن موضوعی‌اند که می‌خواهند برایش راه حل منطقی و مناسب پیدا کنند. با چنین نگرشی می‌توان گفت که مفهوم اصطلاحی مشاوره چنین است: مشاوره به رابطه‌ای بین یک مشاور

آموزش دیده و فرد مشوره‌گیرنده دلالت می‌کند. به طور کلی، مشاوره یک نوع رابطه‌ای است انسانی و اخلاقی بین مشوره‌گیرنده و مشاور که بدان وسیله به مشوره‌گیرنده کمک می‌شود تا پس از شناخت خویش، تصمیمات معقول و مقبولى اتخاذ کند. به بیان دیگر، مشاوره جریان بحث و بررسی مشکلات و مسائلى است که مراجع با آنها مواجه است و علاقه‌مند به طرح آنها می‌باشد. مشوره‌گیرنده از طریق بحث و گفتگو درباره مشکلش با مشاور در یک جریان رابطه مشاوره‌ای توأم با درک و تفاهم، به خودشناسی و کشف راه‌حل موفق می‌شود و سرانجام تصمیم معقول و مناسبی اتخاذ می‌کند.

مشاوره نوعی بستگی و رابطه بین دو فرد است که یکی قصد دارد دیگری را در حل مشکلات خود در زمینه خودشناسی، خانوادگی و تعلیمی کمک کند و این نوع کمک نیز معمولاً از طریق مصاحبه‌های شخصی و بعد از گردآوری اطلاعات و حقایق مربوط به آن شخص و مطالعه و بازنگری اطلاعات به‌دست‌آمده انجام می‌شود.^۱ در مجموعه خدمات راهنمایی، مشاوره که یک فرایند کمکی در کمک به حل مشکلات افراد نیازمند به مشوره است، یک اصل و ضرورت به شمار می‌رود؛ اما تا زمانی که برای خدمات مشاوره‌ای، زمینه‌سازی‌ها و آمادگی‌های مناسب و مساعد انجام نشده باشد، به نتایج موفقیت‌آمیز این برنامه نمی‌توان امیدوار بود.^۲ بنابراین هدف اصلی مشاوره، فراهم آوردن موقعیتی مناسب برای فرد نیازمند به مشوره است تا بتواند

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲. نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۳)، راهنمایی و مشاوره، انتشارات معاصر، تهران.

راحت‌تر و رضایت‌بخش‌تر به زندگی‌اش ادامه دهد. مشاوره با تسهیل فرایند رشد، شناسایی و حل مشکلات زندگی، شیوه‌های تصمیم‌گیری درست و نحوه مواجهه با بحران‌های زندگی همراه است و به گسترش بینش حل تعارض‌های درونی و رشد روابط سازنده با دیگران می‌انجامد.^۱

ج) تعریف مشاور

در تعریف مشاور می‌توان گفت که: وی فردی متخصص و آگاه به اصول مشاوره است که با همکاری مراجع در جهت تسهیل تصمیم به فرد کمک می‌کند. باید توجه داشت مشاور تسهیل‌کننده است نه تصمیم‌گیرنده. مشاور فرد متخصص و دل‌سوزی است که با علاقه به دل‌مشغولی‌های شما گوش داده و به شما کمک می‌کند تا درک بهتری از آنها داشته باشید و بتوانید با راحتی و کارآمدی بیشتری با مشکلات‌تان مواجه شوید.

۱. شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۳)، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

فصل دوم

مبانی مشاوره

ارزش‌های حاکم در جوامع، برخاسته از یک‌سری اصولی‌اند که در واقع ساختار اصلی آن ارزش‌ها را تشکیل می‌دهند. شور و مشوره به عنوان یک ارزش در جوامع مختلف بشری قابل توجه بوده و همه بشریت به نوعی از آن استفاده و بهره برده‌اند. جامعه افغانی ما نیز مانند سایر جوامع و ملل جهان، شور و مشاوره را یکی از ارزش‌های ملی و اسلامی خویش دانسته و در تمام موارد زندگی‌شان از آن بهره می‌جویند. اگر با دقت به مبانی ارزشی جامعه ما نگریده شود، به وضوح مشاهده خواهد شد که این موضوع ریشه‌ای عمیق در فرهنگ ملی، دینی و حقوقی ما دارد.

اول) مبانی اسلامی شور و مشاوره

سخن از اسلام و نظر این مکتب در خصوص مشاوره است. باور ما در این عرصه این است که اسلام دیدی جدید و پیرامنه درباره مشاوره دارد و بر اهمیت آن تأکید بس اساسی کرده است.

توصیه‌ها و سفارش‌های اسلام در این عرصه فراوان است و شامل مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود تا حدی که ذکر همه موارد، نیازمند چندین جلد می‌شود. مشورت در کارها باعث به‌ترشدن کار و استمرار آن می‌شود. در قرآن مجید به پیامبر (ص) خطاب شده است که «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛^۱ یعنی: ای پیامبر! در کارهای مهم با مسلمانان مشورت نما و وقتی تصمیم گرفتی، بر خداوند توکل کن. این آیه به چند مطلب اشاره دارد: اول اینکه قبل از تصمیم‌گیری با افراد مؤمن مشورت شود. دوم، مشورت در کارهای مهم صورت گیرد. سوم، پس از مشورت، تصمیم‌گیری کنند و چهارم، پس از تصمیم‌گیری، بر خداوند توکل کنند و به رحمت او و توفیق در کارها امید داشته باشند.

منابع ما در این مدعا قرآن، سنت و سیره نبوی است. آیات قرآن و روایات و اسناد اسلامی در این عرصه بسیار است. ما موارد آن را در کتب تفسیری و در کتب روایی به عیان می‌بینیم. اگر از این مسئله بگذریم، ملاحظه در سیره پیامبر اسلام و عملکرد آنان، پرده‌های دیگری از این حقیقت را بالا می‌زند تا حدی که ما در هیچ مذهب و مکتبی، مباحث مربوط به مشاوره را با این دامنه و وسعت نمی‌بینیم.

مشوره از منظر قرآن کریم

قرآن مجید اولین و استوارترین قانون اساسی مسلمانان است که در تمام مسائل، اول به آن مراجعه می‌کنند و در صورت

پیداشدن حکم مسئله در قرآن، اطمینان‌شان حاصل می‌شود. البته بعضی از مسائل و موضوعات در قرآن مجید به صورت کلی نشان داده شده و جزئیات آن به خود انسان‌ها واگذار شده است تا مطابق با شرایط و امکانات خود، آن را عملی کنند.

شورا و مشاوره یکی از همین مسائل است که من حیث اصل و مبدأ در قرآن مجید آمده است. اما تعیین وقت شورا و موضوعاتی که باید در شورا طرح شود و چه کسانی اهل شورا باشند و... به خود انسان‌ها محول شده است تا قسمی که لازم می‌دانند، عمل کنند. به همین خاطر می‌بینیم که تمام مسلمانان به اینکه باید کارهای جمعی به شکل شورایی اداره شود، متفق‌اند؛ ولی در جزئیات با هم اختلاف نظر دارند.

۲- مشاوره از منظر سنت نبوی

حالا اگر در سنت و سیرت رسول اکرم (ص) غور کنیم، به وضاحت درمی‌یابیم که آن حضرت به جز مواردی که از طرف خدا حکم صریحی دریافت کرده بودند، در تمام مسائل جمعی با یاران خود مشوره می‌کردند؛ حتی می‌توان ادعا کرد که در دوران بیست‌وسه ساله حیات پیامبری خویش در یک مورد هم بدون مشوره با اصحاب خویش اقدام به کاری نکرده‌اند. در این باره می‌توان به سنت قولی و عملی آن حضرت (ص) در موارد متعدد استشهاد کرد.

عن علی (رض) قال قلت یا رسول الله ان نزل بنا امر لیس فیه بیان امر ولا نهی فما تأمرنی؟ «قال شاوروا فیه الفقهاء العابدین

ولا تمضوا فيه برأى خاصة^۱

از حضرت علی (رض) روایت است که فرمود: گفتم ای رسول خدا اگر با مسئله‌ای مواجه شدیم که درباره آن امر و نهی وجود نداشت، دستور شما چیست؟ فرمودند: درباره آن با فقهای عابد مشوره کرده و به رأی و نظری خاص عمل نکنید.

و در جواب چنین سؤالی به عبدالله بن عباس فرمودند: «تجعلونه شوری بین العابدین من المؤمنین ولا تقضونه برأى خاصة»^۲؛ وقتی با چنین مسئله‌ای مواجه شدید، آن را به شورای مؤمنان عابد بگذارید و به یک رأی خاص فیصله و قضاوت نکنید. عن سهل بن سعد الساعدي (رض) عن رسول الله (ص) ما شقی عبد قط بمشورة و ما سعد باستغناء رأی^۳؛ روایت است از سهل بن سعد ساعدی از رسول الله (ص) که فرمودند: هرگز بنده‌ای بعد از مشوره بدبخت نشده و با احساس بی‌نیازی از آراء دیگران، سعادت نیافته است.

عن ابی هریره، قال رسول الله (ص): «المستشار مؤتمن»؛ ابوهریره روایت می‌کند که رسول الله (ص) فرمودند: «کسی که با او مشوره می‌شود، امین دانسته شده»^۴.

۱. مجمع‌الزوائد، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبوالقاسم الطبرانی. (۱۴۱۵ ق) المعجم الكبير. قاهره: مکتبه ابن تیمیة. ج ۱۱، ص ۳۷۱.

۳. جامع‌الاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۱.

۴. سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۴۹۵.

دوم) اهمیت مشاوره و جایگاه آن در قوانین موضوعه:

اهمیت وجودی یک شیء وابسته به اثر و پیامدی است که می‌تواند با خود داشته باشد. مسئله دیگری که ممکن است به اهمیت یک پدیده اشاره داشته باشد، پشتوانه علمی، فرهنگی و دینی است که از آن پدیده صورت می‌گیرد. برای درک جایگاه و اهمیت شور و مشوره باید دید که مشوره در متون دینی و فرهنگی ما از چه جایگاهی برخوردار است.

شورا و مشوره به عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل حل مسائل اجتماعی در طول تاریخ اسلام مطرح بوده؛ چراکه انسان هرچند از نظر فکری و ایمانی، نیرومند و قوی باشد، به مسائل مختلف فقط از یک یا چند بُعد محدود می‌نگرد و ابعاد دیگرش از منظر او مجهول و مخفی می‌ماند. اما وقتی مشکل یا مسئله‌ای به مشورت گذاشته شود و علم و تجارب دیگران به کمک همدیگر بشتابند، مسئله پخته‌تر و کم‌عیب و نقص‌تر می‌شود و از خطا و لغزش مصون‌تر می‌ماند. تأکید این مسئله در قرآن کریم به گونه‌ای آمده است که آن را یک کار مستمر و جاری در زندگی مؤمنان می‌داند.

بناءً اهمیت مشاوره به میزانی است که عده‌ای آن را مرادف تربیت دانسته‌اند و حداقل فواید آن این است که می‌تواند جریان تربیت را تسهیل کند و راه کمال و رشد را به آدمی نشان دهد. اگر آدمی در مسیر زندگی کسی را نداشته باشد که با او هم‌فکری و تبادل رأی کند، جداً احساس تنهایی و غربت خواهد کرد. شاید به همین سبب است که مشاوره را نوع پشتیبان‌طلبی ذکر

کرده‌اند.

از فواید دیگر مشاوره، دوری از پشیمانی است و در واقع مشاوره‌خواهی نوعی طلب خیر است و در طلب خیر، حیرت و سرگردانی نیست. از دیگر فواید آن می‌توان به: شناخت خط و راه صواب و خطا، کاهش احتمال شکست، ایجاد شخصیت و اعتماد به خود، تأمین منافع خود و دیگران، تضمین و احیای حالت تکاپو و تلاش برای زندگی بهتر، اصلاح لغزش‌ها و انحرافات، زدودن اشتباهات، دورداشتن از اضطراب، توان و جرأت تصمیم‌گیری، تعدیل دیدگاه‌ها و خواست‌ها اشاره کرد.

مسئله شورا و مشورت چه در گذشته و چه در زمان حاضر، یکی از مسائل مطرح در حوزه اندیشه اسلامی بوده است. این مسئله مربوط می‌شود به هر آنچه در جامعه اسلامی رخ می‌دهد اعم از سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی...

قوانین حاکم بر جوامع و ملل، ریشه در باورها و ایدئولوژی ملت‌ها دارد؛ زیرا آنان قوانین را برای راحتی خود و تأمین عدالت در سرزمین خود می‌سازند. روی همین اصل است که قوانین مجزا از عقایدشان نیست. در جامعه ما نیز قوانین ریشه در باورهای مردم دارد و قانون اساسی ما نیز این موضوع را در مواد مختلف خویش، تصریح و تثبیت کرده است.

سوم) اهداف مشاوره

هر عمل و فعالیتی که بدون هدف و مقصد صورت بگیرد، نتیجه‌ای جز پشیمانی به همراه ندارد. انسان عاقل هرگز کاری را

که پیامد مثبتی نداشته باشد، انجام نمی‌دهد و چنین رفتارهایی از انسان‌های خردمند بعید به نظر می‌رسد. این به عنوان یک اصل پذیرفته شده است که باید هدفمندانه کاری انجام داد و فعالیتی را شروع کرد. شور و مشاوره یک فعالیت است اجتماعی و یقیناً هدفمند. شاید بسیاری از کارها را بتوان بدون هدف انجام داد ولی هرگز نمی‌توان مشوره را بدون هدف انجام داد. به همین دلیل اهداف راهنمایی و مشاوره را می‌توان به این صورت، فهرست‌وار بیان کرد:

(۱) کمک به تغییر رفتار مشوره‌گیرنده: یکی از اهداف مشاوره تغییر رفتار مشوره‌گیرنده است. با تغییر رفتار مشوره‌گیرنده، عملکرد او بهتر خواهد شد و با رضایت خاطر بیشتری زندگی خواهد کرد. این تغییر رفتار، رابطه فرد مشوره‌گیرنده را با خانواده و مردم بهبود می‌بخشد.

راجرز که یک متخصص در حوزه اجتماعی است، تغییر رفتار را نتیجه ضروری فرایند مشاوره می‌داند. تغییر رفتار به عنوان هدف، شامل تصحیح پاسخ‌ها نسبت به تعارض‌های درونی، اصلاح نگرش‌ها نسبت به مردم و خویشان می‌شود. در این صورت فرد مشوره‌گیرنده می‌تواند از اضطراب خود بکاهد، خود را بپذیرد و نگرش مثبتی به خود و دیگران داشته باشد.

(۲) بهبود کارایی شخصی فرد مشوره‌گیرنده: راهنمایی و مشاوره به فرد نیازمند کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را بشناسد؛ آنها را شکوفا کند و بر کارایی خود بیفزاید. به عقیده دانشمند بزرگ، بلاکر، راهنمایی و مشاوره دو هدف را دنبال می‌کند.

الف) افزایش آزادی فرد با توجه به محدودیت‌هایی که محیط بر او تحمیل می‌کند.

ب) افزایش کارایی و توانمندی‌های فرد، بدین وسیله که فرد کنترل خود بر محیط و پاسخ‌های مناسب به محیط را فرامی‌گیرد.

۳) کمک به تصمیم‌گیری فرد مشوره‌گیرنده: کمک به فرد نیازمند در انتخاب و تصمیم‌گیری، یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره است. در جریان مشاوره، فرد نیازمند یاد می‌گیرد تا مشکل خود را شناسایی، اطلاعات لازم را کسب و راه‌حل‌های احتمالی را پیش‌بینی کند و سپس مناسب‌ترین راه‌حل را برگزیند.

۴) توسعه روابط متقابل و انسانی با دیگران: توسعه روابط متقابل انسانی یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره است. در جریان مشاوره فرد نیازمند به مشوره، تجربیات مثبتی را کسب می‌کند. فضای توأم با اعتماد و پذیرش بدون قید و شرط همراه با تفاهم و هم‌دلی، وضعیتی را در رابطه مشاوره ایجاد می‌کند که فرد نیازمند، به بیرون‌ریزی مشکلات خود می‌پردازد و رابطه‌ای باز و صریح با مشاور ایجاد می‌کند. در این صورت مقاومت‌ها شکسته می‌شود و فرد مشوره‌گیرنده راحت‌تر به بیان مشکلات خود می‌پردازد و با کمک مشاور به راه‌حل مناسبی می‌رسد. در مشاوره گروهی، می‌توان به آموزش تبادل تجارب اجتماعی پرداخت و شرایطی را ایجاد کرد که مراجعین، نحوه برخورد با یکدیگر را فراگیرند.

۵) تأمین صحت روانی فرد مشوره‌گیرنده: تأمین صحت

روانی یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره است. رسیدن به چنین هدفی باعث هماهنگی شخصیت، تطابق درست و مناسب با محیط، مردم و قبول مسئولیت می‌شود. مشاوره در ایجاد شرایط مناسب برای فرد نیازمند، درخودپذیری، پذیرش واقعیت، برخورد مناسب با دیگران و اتخاذ روش‌های واقع‌بینانه و تعادل روانی کمک می‌کند.

۶) دست‌یافتن به معنای زندگی: برخی از افرادی که مشوره می‌گیرند، معنای درست زندگی خود را نمی‌دانند و امیدواری خود برای تداوم زندگی با آرامش را از دست داده‌اند. این دسته از افراد، دنبال یافتن معنایی برای وجود و بودن خویش هستند و اصطلاحاً از بحران وجودی خود رنج می‌برند. مشاوران در برخورد با چنین افرادی تلاش می‌کنند و باید تلاش کنند تا میدان دید آنان را نسبت به امکانات بالقوه خویش و شرایط محیط توسعه دهند، تا از ارزش خویش و نقاط مثبت شخصیت خود آگاهی یابند. باید به آنان فهمانده شود که انسان باید با داشته‌های خود زندگی کند نه با داشته‌های دیگران. درک این مفهوم، به فرد نیازمند مشوره کمک می‌کند تا مفهوم زندگی را بهتر بشناسد. فرانکلی (۱۹۶۲) برای درک معنای زندگی سه طریقه را پیشنهاد می‌کند:

الف) انجام کارهای شایسته

ب) درک ارزش‌های معنوی

ج) پذیرش رنج: پذیرش رنج موقعی پیش می‌آید که انسان با وضع غیر قابل اجتنابی روبه‌روست. در چنین

وضعیتی عمیق‌ترین معنای حیات یعنی پذیرش رنج‌بردن
آشکار می‌شود.^۱

ساده‌ترین کار در جهان این است که خود باشی و سخت‌ترین
کار در جهان این است که کسی باشی که دیگران می‌خواهند.

چهارم) انواع مشاوره

تنوع مشوره‌دهی بستگی به این دارد که موضوع مشوره
چیست؟ یا چه کسی از ما مشوره خواسته؟ آیا موضوع اجتماعی
است یا فردی؟ و امثال این پرسش‌ها که در واقع نوعیت مشوره
را برای مشاور روشن می‌سازد.

الف) مشاوره فردی

انسان‌ها ذاتاً موجوداتی‌اند شناخته‌نشده، مخلوقی‌اند دارای
رمز و رازهای فراوان و اسراری پنهان که دوست ندارند هیچ‌کس
حتی عزیزان‌شان از آنها اطلاع حاصل نمایند. به همین دلیل
است که افرادی که دچار مشکل می‌شوند و راحت نمی‌توانند
مشکل‌شان را با دیگران مطرح نمایند، درون‌گرا می‌شوند و در
خود فرومی‌روند و در نتیجه اگر تداوم یابد، افسرده و منزوی
می‌شوند.

بهترین راه درمان این نوع بیماری‌ها و خلاصی از چنگال
چنین مشکلاتی، فقط مشوره است آن هم مشوره فردی. زیرا
مشاور در واقع حافظ اسرار و امین رازهاییی است که نمی‌شود

۱. دی‌برد، رتبرت (۱۳۹۱) مهارت‌های مشاوره‌ای، ترجمه اسماعیل اسدپور و دیگران،
انتشارات انسان برتر، تهران، صص ۶۱-۷۵.

به دیگران گفت. پس مشوره فردی عبارت است از گفتگو بین دو نفر (مشاور و مشوره گیرنده) برای یافتن مناسب ترین راه جهت دستیابی به اهداف مورد نظر.

اینکه این نوع مشوره را فردی می گویند، به این دلیل است که افراد معدودی در جریان آن قرار دارند و عمومی نیست که همه از آن اطلاع داشته باشند؛ زیرا واقعه ای که رخ داده، به دیگران مرتبط نیست و نیازی هم نیست که مطلع شوند. از سوی دیگر شاید موضوع مورد مشوره از مواردی باشد که عزت، آبرو و حیثیت فرد در گرو آن باشد و نباید کس دیگری از آن آگاهی یابد؛ زیرا از منظر شرع ما مأمور هستیم تا اسرار را حفظ کرده و از هر آنچه که سبب ریختن آبرو و شرف انسانی می شود، اجتناب کنیم. مشوره فردی سه هدف عمده را دنبال می کند:

(۱) پیش گیری: در مشوره فردی تلاش می شود تا با ارائه اطلاعات روان شناختی و آموزش مهارت های لازم به مشوره گیرنده کمک شود تا با موقعیت های مختلف زندگی سازگاری مناسب داشته باشد.

(۲) رشد: مشوره فردی به تسهیل رشد مشوره گیرنده و شکوفایی استعدادها و توانایی های او کمک می کند.

(۳) مداخله درمانی: مشوره فردی به شناخت و کشف راه حل برای مشکلات رفتاری مشوره گیرنده می پردازد.

مشاوره فردی به صورتی است که:

- رابطه دوجانبه ای برقرار می کند و فرصتی را برای تبادل نظر

بین مشاور و مراجع ایجاد می‌کند.

- موقعیت کاملاً محرمانه‌ای را برای طرح و کشف راه‌حل

مشکلات رفتاری تأمین می‌کند.

- متناسب با توان یادگیری و درک مشوره‌گیرنده انجام

می‌شود.

- در شناخت و کشف راه‌حل مشکلات رفتاری، به

تفاوت‌های فردی مراجعین توجه می‌کند.

- از روش‌های متناسب و متنوع مداخله درمانی استفاده

می‌کند.

مشاوره فردی ابتدا تغییری در ادراکات و عواطف و سپس در برداشت‌ها و طرز فکرها و آنگاه در رفتار مشوره‌گیرنده ایجاد می‌کند. مواردی که در این تحقیق به آن اشاره شده، بیشتر همین نوع مشوره فردی است که از زوایایی مختلف مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. چون مشوره گروهی که بیشتر به موارد کلی، اجتماعی، سیاسی و ملی می‌پردازد، به این بحث مرتبط نیست و نیازی هم به مطرح کردنش نمی‌باشد.

ب) مشاوره گروهی

انسان موجودی اجتماعی است و اعمال و رفتارهای او متأثر از آداب و رسوم قوانین اجتماعی است. انسان بدون تعلق به گروه احساس امنیت نمی‌کند. مشاوره گروهی به طور کلی رابطه‌ای یاری‌دهنده است که بدان وسیله به فرد کمک می‌شود تا دنیای درونی خود را از اغتشاش، ابهام، درد و رنج‌رهای بی‌بخشد و شیوه‌های بهتریستن با خود و دیگران را یاد بگیرد.

مشاوره گروهی عبارت است از یک فرایند دوجانبه انسانی که در آن مشاور و یک گروه هم‌سال به بررسی مشکلات، احساسات، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌پردازند و کوششی است در جهت تعدیل و اصلاح نگرش‌ها و ادراکات فرد تا بتواند در مورد مسائل و مشکلات تکاملی خود بهتر و مؤثرتر اقدام نماید.

کوهن، مشاوره گروهی را چنین تعریف می‌کند: مشاوره گروهی، یک فرایند انسانی پویاست که در آن تکنیک‌های مشاوره در مورد افراد به‌هنجار به کار گرفته می‌شود. اعضای گروه همراه با مشاور، فعالانه به بررسی مشکلات و احساسات خود در آن باره می‌پردازند. هدف از این کوشش، تفسیر نگرش‌ها و ارزش‌هاست به‌گونه‌ای که بهتر قادر به مقابله با مسائل و موقعیت‌های تربیتی و تکاملی شوند. اعضای گروه مشاوره گروهی از ۶ تا ۱۰ نفر تشکیل شده که با همکاری یک مشاور متخصص در موقعیتی غیرپزشکی عمل می‌کنند؛ و مشاوره یک فرایند کمکی است که هدف آن، راهنمایی افراد به شناخت هرچه بهتر رفتار خود و دیگران است. این جریان می‌تواند متوجه یک مشکل ویژه، الگوهای زندگی، هویت‌یابی و یا ترکیبی از اینها بوده باشد. پیشرفت مشاوره گروهی بستگی تام به احترام، اعتماد و پذیرش متقابل دارد.

در رابطه با این مفهوم ماهر، مشاوره گروهی را این‌طور تعریف می‌کند: جریان و فرایندی است که در آن از تعامل و تکامل گروه جهت تسهیل خودپذیری و خودشناسی عمیق‌تر استفاده می‌شود. بنابراین لازمه آن محیطی سرشار از احترام و پذیرش متقابل است تا آنکه افراد بتوانند آزادانه از مکانیزم‌های دفاعی خود به بررسی معنا و مفهوم رفتار خود و نیز شیوه‌های

تازه رفتار پیردازند. آنچه بیشتر به عنوان مسئله مورد توجه است، وظایف و تکالیف تکاملی اعضای گروه می باشد نه موانع روانی و انحراف از واقعیت.^۱

همچنین مشاوره گروهی عبارت از عرضه تجارب سازشی و تکاملی متعارف در گروه است. تمرکز مشاوره گروهی بر یآوری مراجع برای مقابله با مسائل سازشی و تکاملی روزمره است. از جمله اینکه «گروه» ممکن است بر اصلاح رفتار، کسب مهارت رابطه با دیگران، مسائل مربوط به جنس مخالف، ارزش‌ها، نگرش‌ها و بالأخره اتخاذ تصمیمات شغلی، متمرکز باشد. گزدا (۱۹۸۴) معتقد است که مشاوره گروهی می تواند توأم با رشد باشد؛ زیرا شوق و انگیزه مشارکت گروهی، تغییراتی را فراهم می کند که معطوف به مصالح مراجع است.^۲

به اعتقاد اولسن (۱۹۷۰)، مشاوره گروهی یک سلسه فعالیت‌های سازمان یافته است که با تعداد معینی شرکت کننده در یک زمان انجام می گیرد. این فعالیت ها جنبه درمانی و پیش گیرانه دارند. در مشاوره گروهی، گاهی یک و یا دو مشاور با تقریباً هشت نفر شرکت کننده دور هم می نشینند و به بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعی عاطفی و روانی می پردازند و تلاش می کنند راه حلی برای مشکل بیابند. از این رو، هدف مشاوره گروهی در وهله اول معمولاً حل مشکل و در مرحله بعد،

۱. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۴)، راهنمایی و مشاوره گروهی، نشر جهاد دانشگاهی چاپ دوم، تهران، صص ۴۳-۴۴.

۲. گیبسون، رابرت و میشل، ماریان (۱۳۷۳)، مبانی مشاوره و راهنمایی، ترجمه باقر ثنایی، چاپ اول، ویراستار، تهران، ص ۲۴۱.

جلوگیری از بروز مشکلات می‌باشد.^۱

پنجم) فرایند مشاوره

مهم‌ترین هدف در مشاوره، کمک به افراد برای کشف راه‌حل‌هایی برای مشکلات‌شان است. مشاور کارآمد این فرایند را تأیید کرده و با آن کار می‌کند. چیزی که برای من درست است، الزاماً برای شخص دیگری ممکن است درست نباشد و چیزی که برای من بااهمیت است به طور حتم برای دیگران هم ممکن است بااهمیت نباشد. مشاور، فردیت هر فردی و قدرت بالقوه او را می‌شناسد یا می‌خواهد قدرت افراد را بشناسد و آزاد کند نه اینکه آن را انکار کند و با آن بجنگد. بنابراین هدف مهم مشاور این است که به فرد نیازمند به مشوره کمک کند که خودش راه‌حل مشکلش را پیدا کند.

۱- پیدا کردن مشکل

حکمت و فلسفه این موضوع به این است که ما باید با کسانی مشوره کنیم که قبلاً نسبت به آنان آشنایی داشته و بر صداقت و تجربه‌شان باور داشته باشیم؛ زیرا شروع یک رابطه مشاوره‌ای بسیار مشکل است و نحوه شروع این رابطه بستگی به رابطه‌ای دارد که قبلاً بین مشاور و مشوره‌گیرنده وجود داشته و همچنین به مشکلی که آیا آن دو دوست دارند درباره آن بحث کنند و یا از طرح آن می‌ترسند.

۱. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، پویایی گروه و مشاوره گروهی، رشد، چاپ دوم، تهران، صص ۵۴-۵۳.

در هر صورت، هرچه مسئله‌ای که شخص نیازمند به مشوره علاقه‌مند به حل آن است، جدیدتر و حساس‌تر باشد، او سخت‌تر آن را مطرح خواهد کرد. ابتدا به صورت کلی و مبهم درباره مشکل صحبت خواهد کرد. آگاهانه یا ناآگاهانه بسیار مختصر درباره مشکل حرف خواهد زد تا ببیند اگر فضا مناسب است، جلوتر برود؛ و یا در صورت لزوم، بدون اینکه زیاده‌روی کرده باشد، دیگر ادامه ندهد. احتمالاً با خود کشمکش درونی دارد که تا چه اندازه می‌تواند درباره خودش صحبت کند و چه مکانیزم و روشی را برای شروع به کار بگیرد؟ پاسخ عملی مشاور به این موقعیت باید این باشد که به دقت گوش فرادهد و آماده کمک به نیازمند شود تا او به راحتی پیش رفته و به مسئله اصلی و مشکل خاصش اشاره کند.

۲- جستجوی راه حل منطقی

مشاوره یک تقابل است. برای مشاورین بدان معنی است که او در تلاش است تا به دنیای خصوصی شخص دیگری که برای کمک به او مراجعه کرده، وارد شود تا با یافتن اصل مشکل، بهترین راه حل و مناسب‌ترین مشوره را برای وی ارائه نماید. مشاور در این فرایند تلاش می‌ورزد تا وارد زندگی شخصی شود که نیاز به کمک دارد، که در اصطلاح آن را «ورود به فضای زندگی» برمی‌شمارند. اینکه فضای زندگی چیست؟ و یک مشاور موفق چگونه می‌تواند وارد آن شود تا اعتماد فرد نیازمند را جلب کرده و او را در جهت دستیابی به بهترین راه یاری رساند؟ قابل بحث و تبادل نظر است.

دسترسی به دنیای درونی افراد یک امتیاز ویژه است. مشاوران زمانی که به فضای زندگی فرد دیگری دعوت می‌شوند، باید قدر این اعتماد را بدانند. به همین دلیل است که انتقاد موجب خراب‌شدن فرایند مشاوره می‌شود.

انتقاد اساساً به مقایسه یک فرد با معیارهای دیگران و بیان اینکه رفتار و عملکرد آنها از اصول و معیارهای لازم پایین‌تر است، گفته می‌شود؛ که در واقع یک سوءاستفاده از موقعیت مشاوره بوده و تجاوز به استقلال فردی مراجعین به مشاوره محسوب می‌شود. انتقاد به ناچار فرایند مشاوره را متوقف می‌کند. احساس مورد انتقاد قرارگرفتن، همچون احساس تهدیدشدن است و به هنگام مشاوره، هر کسی که احساس تهدید کند، به سرعت مشاور را از فضای زندگی‌اش عقب می‌راند. این عمل همانند موقعیتی است که مهمانی وارد خانه می‌شود و از وسایل خانه و یا از نحوه تزئین آنها شروع به انتقاد می‌کند. مؤدبانه از چنین کسی خواسته می‌شود تا به سرعت از خانه خارج شود.

از آنجایی که فضای زندگی هر فردی منحصر به خود او است، لذا راه‌حل‌ها برای هر مشکل نیز باید متناسب با این فضا باشد. این موضوع باعث می‌شود که پیشنهادهای دیگران معمولاً نامناسب به نظر برسند؛ یا وقتی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند، نامطلوب و حتی خطرناک باشند. در مشاوره باید از پیشنهادهایی که بر نظرات و تجربیات دیگران استوارند و جملاتی از قبیل: «اگر من به جای تو بودم...» اجتناب شود. باید توجه داشت که راه‌حل‌های مناسب و واقعی متناسب با الگوی کلی رفتار فرد و

هم‌خوان با شخصیت وی باشد. به این دلیل است که مشاوران باید همواره متوجه احساسات دیگران باشند و تشخیص دهند که هر گونه نصیحت مستقیم و یا راهنمایی مصرّانه برای ایجاد تغییر در عقاید، در طولانی مدت احتمالاً پذیرفته نخواهد شد و مقاومت فرد نیازمند به مشوره را برخواهد انگيخت.

به پایان بردن جلسه مشاوره همچون شروع کردن آن نیازمند مهارت‌های زیادی است. اگر مشاور توانسته باشد به فضای زندگی فرد دیگری وارد شود، پس او باید به شیوهای درست و در زمان مناسب از آن فضا خارج شود. داشتن یک زمان مشخص و تعیین شده بسیار مهم است. از آنجا که این موضوع، افراد را در یک فشار سازنده قرار می‌دهد تا به سوی اهداف پیش بروند، آنها را قادر می‌سازد تا استفاده مطلوب از زمان را ببرند. برای مثال، بعضی مسائل به جای آنکه در شروع گفته شوند، فقط در انتهای مصاحبه گفته خواهند شد. این بدان معنا است که مشاور می‌تواند با توجه به زمانی که در اختیار دارد، سوالاتش را سازمان‌دهی کند. وقتی که این موضوع اتفاق نمی‌افتد و انتظارات طرفین برآورده نمی‌شود، آنها آرزو می‌کنند که کاش زمان بیشتری در اختیار داشتند.

با توجه به عقب‌نشینی از فضای زندگی، این موضوع باید به شیوه‌ای که فرد مشوره‌گیرنده احساس راحتی و رضایت کند و همراه با یک تکلیف شخصی انجام شود. او نباید احساس خودشکفتگی کند اما در عین حال باید واقعاً احساس کند که موفق شده است تا حدی کمک‌های واقعی و چیزهای مهم، سازنده و مفید از این فرایند به دست آورد.

فصل سوم

اصول و مهارت‌ها

این فصل در واقع بر این موضوع متمرکز است تا برای آنانی که حس دل‌سوزی و مسئولیت‌پذیری دارند و در جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی تلاش می‌ورزند و به صورت رضاکارانه و به عنوان یک انسان مصلح در خدمت افراد آسیب‌پذیر جامعه قرار دارند، راهکارهایی را نشان دهد تا آنان را در جهت دستیابی به اهداف انسانی و الهی‌شان یاری رساند.

اول) اصول مشاوره

اصول یا معیارهای فعالیّت کاری نشانه کامیابی و موفقیت به شمار می‌روند و در حوزه فعالیّت‌های اجتماعی از جایگاه خاصی برخوردارند. «اصول» برای سازمان‌دهی برنامه‌ها، برانگیختن و هدایت فعالیّت‌ها، یک چارچوب فلسفی به وجود می‌آورد. اصول، رهنمودهایی است که از روش‌ها، نتایج پژوهش‌ها و تجارب حرفه سرچشمه می‌گیرد و تجلّی نظرات

اکثریت کارشناسان حرفه است. اثربخشی عملکرد حرفه‌ای با رعایت اصول و قواعد مربوط، بسیار هم‌بسته است. موارد زیر تحت عناوین اصول و قواعد در منابع مختلف ذکر شده‌اند:

(۱) مشاوره و راهنمایی، جریان مستمر و مداوم است که باید در طول زندگی فرد ادامه یابد. هر مرحله از رشد، خصوصیات ویژه خود را دارد. راهنمایی و مشاوره به فرد کمک می‌کند تا از ویژگی‌های هر مرحله از رشد آگاه شود و متناسب با آن ویژگی‌ها بتواند در هر مرحله از آن به خوبی عمل کند و با کسب مهارت‌های لازم، از عهده مشکلات مربوط برآید.

(۲) مشاوره و راهنمایی بر تکریم شخصیت آدمی و کرامت و فضیلت انسانی و همچنین حق انتخاب و آزادی و استقلال در انتخاب متکی است. به خاطر شأن و قدری که فرد دارد، باید او را محترم شمرد.

(۳) راهنمایی و مشاوره امری است مبتنی بر کمک به مراجع نه اجبار وی به انجام فعالیتی خاص

(۴) راهنمایی و مشاوره بر پیش‌گیری تأکید دارد و با افراد در رشد و سازگاری درونی و برونی کمک می‌کند. راهنمایی و مشاوره تسهیل‌کننده رشد است و در جهت خودشکوفایی و بارورکردن استعدادها و توانمندی‌های خود حرکت می‌کند. مشاوره به تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات موقعیتی مراجعین کمک می‌کند. وقتی مراجعان در همه زمینه‌ها رشد کنند و به خودشکوفایی برسند و در حل مشکلات موقعیتی اقدام کنند و تصمیم درستی بگیرند، از ضایعات روانی آنان پیش‌گیری

می شود.

۵) مشاور باید کاملاً به حرف‌های او گوش بدهد و از ارزیابی، قضاوت کردن، سرزنش کردن و یا گرفتن قیافه و ایجاد صداهایی که این معانی را به همراه داشته باشد، پرهیز کند.

۶) راهنمایی و مشاوره کمکی است که به افراد داده می شود برای اینکه به انتخاب عاقلانه دست بزنند، طرح بریزند، به تفسیر پردازند و سازگاری‌های لازم را به دست بیاورند. موانعی که بر سر راه تدابیر و نقشه‌های پیشرفت فرد وجود دارد، باید شناخته شده و از میان برداشته شود.

۷) مشاوره و راهنمایی بر مسئولیت هر فرد در برابر خالق هستی، خود وی و جامعه‌اش تأکید دارد.

قابل توجه است که مشاور نسبت به احساسات و نگرانی‌های مشوره‌گیرنده ابراز درک، پذیرش و هم‌حسی می‌کند نه هم‌دردی. صداقت و خلوص نیت نیز از ضرورت‌های کار مشاوره می‌باشد و اعتماد و اطمینان فرد نیازمند به مشوره، بدان وابسته است. مشاور باید نسبت به نگرانی‌ها و آنچه که فرد نیازمند تجربه کرده، حساس باشد؛ آنها را به رسمیت بشناسد و درک نماید. مطرح کردن تجارب شخصی خود یا به نحو مناسب از دیگران، ممکن است به شخص نیازمند کمک کند تا دریابد که مشکل او منحصر به خودش نیست؛ بلکه دیگران نیز مشکلات مشابهی داشته‌اند و با تدبیر توانسته‌اند بر آنها پیروز شوند.

احترام مثبت غیرشرطی به معنی احترام و توجه کامل به ارزش

و حریم فرد است بدون در نظر گرفتن فاصله اجتماعی و اقتصادی و اینکه شما او را دوست دارید یا خیر، با دیدگاه و رفتارش موافق باشید یا نباشید. این امر زمینه‌ای غیر تهدیدآمیز را فراهم می‌کند که در آن شخص مشوره‌گیرنده، خود و موقعیت خود را کاوش کند. این حالت برای آشکار ساختن مسائلی لازم است که به باور افراد نیازمند به مشوره، مورد قبول و تأیید دیگران نیست.

۸) برنامه مشاوره باید مبتنی و متناسب با نیازها و ویژگی‌های منحصر به فرد مشوره‌گیرنده و محیطی باشد که مصروف خدمت به آنها است. مشاوران باید به نیازهای روانی اجتماعی، مالی و معنوی افرادی که مشوره می‌گیرند، توجه کنند. از طرف دیگر، بین مسائل مرتبط با سلامتی و محیط روانی اجتماعی (شامل روابط و پیوندهای خانوادگی و اجتماعی) تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد؛ از این رو، بسیار مهم است که نسبت به محیط روانی اجتماعی افراد نیازمند و نیز محیطی که مشاوره در آن انجام می‌شود، هوشیار باشیم؛ و خانواده، مهم‌ترین نظام اجتماعی نیازمندان است.

دوم) خصوصیات و مهارت‌های مشاوره

ریشه مهارت‌های مشاوره در نظریه و فرایند آن است و پشتوانه مهارت‌های مشاوره، کار عملی و تحقیقی است. مشاور، این مهارت‌ها را از راه تحصیل و کار عملی و تحقیق به دست می‌آورد. مشاور این خصوصیت‌ها را از راه تحصیل و کار عملی کسب می‌کند. مهارت‌های مشاوره، اساس فرایند درمان است که مشاوران صرف‌نظر از جهت‌گیری نظری، خود آن را به کار

می‌گیرند. اساس هر گونه رابطه در فرایند مشاوره، به‌کارگیری مهارت‌های مشاوره است.

در واقع این مهارت‌ها هر چقدر در وجود شخص مشاور قوی باشد، به همان اندازه در پیش‌برد وظیفه مشوره‌دهی خود موفق خواهد بود. این مهارت‌ها در واقع به دو دسته قابل تقسیم‌اند:

یک نوع آن مهارت‌های عمومی است که باید مشاور آنها را به دست بیاورد و در جهت دست‌یابی به آنها باید تلاش و کوشش نماید که در واقع به نوعی شامل مهارت‌های تئوری می‌شود.

نوع دوم، مهارت‌های خاص است که هر فردی شاید نتواند این مهارت‌ها را به علت ظرافت در عمل و دقت و باریک‌بینی در اجرای مشاوره، داشته باشد. بناءً این نوع مهارت‌ها خاص افرادی است که از قدرت و توانایی بلندی برخوردار می‌باشند.

مهارت‌های خاص دو بخش‌اند: مهارت‌های خاص و مهارت‌های محدود. هر کدام از این نوع مهارت‌ها در جایش قابل تأمل و بررسی است.

۱- مهارت‌های عمومی

این یک امر مسلم است که رفتن نزد یک فرد ناشناس و بیان اسرار خویش و طلب‌کردن رفع مشکل خیلی دله‌ره‌آور و استرس‌زاست. شخص مشاور باید برای غلبه بر چنین ترس‌ها و اضطراب‌ها و همچنین برای اجتناب از تهمت‌ها و برچسب‌ها، بسترهای مناسبی را فراهم سازد تا هم خودش و هم مشوره‌گیرنده

با آرامش بتوانند مشکل را شناسایی و راه حل منطقی را برایش بیابند. این بسترهای مناسب همان مهارت‌هایی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

الف) داشتن دانش مسلکی

این رکن اول و اساسی مشاوره است. این یک اصل است که تنها رأی عاقل است که عامل نجات می‌شود. مشاور باید فردی عاقل، فهمیده، دوراندیش و دارای تمرکز در قوای درونی باشد و بتواند نظر مشورت‌گیرنده را دریابد. عالم و درست‌کار باشد. پیامبر اسلام (ص) در این رابطه می‌فرمایند: «شاوِروا العلماء الصالحین»؛ یعنی: با دانشمندان صالح مشوره کنید.

در اسلام، مشاوره و مشورت با افراد بخیل، حریص، ترسو، نادان، لجوج و دروغ‌گو منع شده است. این افراد نمی‌توانند در جهت رفع مشکلات رفتاری با دیگران کمک کنند. مشاور باید اهل محبت و عاطفه، دل‌سوز و صمیمی باشد. مشاور باید در خصوص حل مشکل دیگران از خود رغبت نشان دهد.

صاحب اندیشه باشد. حضرت علی (رض) فرمودند: «مَنْ شَاوَرَ ذُوَ الْاَلْبَابِ دَلَّ عَلَى الصَّوَابِ»: کسی که با صاحبان اندیشه مشاوره نماید، به راه خیر رهنمون شود.

صاحب تجربه باشد. حضرت علی (رض) فرمودند: «خَيْرُ مَنْ شَاوَرَ ذُوُوا التَّوْبَةِ وَالْعِلْمِ وَ اُولُو التَّجَارِبِ وَ الْحَزَمِ»: کسی که با آنها مشورت می‌کنی، صاحبان اندیشه و علم و دارندگان تجربه و دوراندیشی هستند.

ب) مورد اعتماد بودن

اعتماد همان ریسمان مستحکمی است که افراد را به هم پیوند می‌زند و به همین دلیل مشاور باید به آنچه مشوره می‌دهد، خودش نیز عامل باشد. پیامبر اسلام در بیان خصوصیات مشاور فرمودند: «و ان اشار فلیشیر بما لو نزل به فعله»؛ یعنی: اگر مشاور به مطلبی اشاره کند، باید چنان باشد که اگر در آن مقام قرار گرفت، خود به آن عمل کند.

صداقت در گفتار داشته باشد. آزاد، متدین، صمیمی و اهل عدل باشد. امانت‌دار باشد. باتقوا و خدا ترس باشد. نبی اکرم (ص) فرمودند: با پرهیزگاری که آخرت را بر دنیا و کارهای شما را بر کار خودشان ترجیح داده و ایثار می‌کنند، مشورت کنید.

ج) قدرت افهام و تفهیم

یکی از مشکل‌ترین حالات برای انسان‌هایی که فعالیت‌های اجتماعی، علمی و فرهنگی دارند، عدم توانایی‌شان در انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط مفید با دیگران می‌باشد. خیلی از افراد: عالم، فرزانه، محقق، جامعه‌شناس، صادق، امانت‌دار، مورد اعتماد و... هستند، ولی به ضعف انتقال مفاهیم دچارند و نمی‌توانند به سادگی و به راحتی حرف دل‌شان را به شنونده خود بفرستند. بناءً اگر مشاور دچار چنین وضعی باشد، هرگز در کارش موفق نخواهد بود؛ زیرا چنین افرادی وقت را از دست می‌دهند، درک گفتارش برای مشوره‌گیرنده مشکل شده و در نتیجه سبب خستگی و دل‌سردی فرد نیازمند خواهد شد. پس برای موفقیت در مشوره علاوه بر دانش کافی، قدرت انتقال مفاهیم

و برقراری ارتباط سالم و سازنده بین فرستنده و گیرنده نیز لازم و ضروری به نظر می‌رسد. داشتن دانش مسلکی بدون داشتن قدرت افهام و تفهیم برای حل مشکلات مشوره‌گیرنده‌ها، مفید واقع نخواهد شد.

(د) داشتن سابقه نیک

افرادی که به نزد دیگری می‌روند تا برای مشکل‌شان راه‌حل مناسبی بیابند، یقیناً می‌خواهند از وقوع مشکل بزرگ‌تری جلوگیری کرده باشند؛ و برای اینکه به این هدف برسند، هرگز به سراغ آدم‌های مفسد و بی‌خاصیت که سوءسابقه دارند، نخواهند رفت. زیرا چنین افرادی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کنند، بدون شک بر پیچیده‌تر شدن مشکل نیز می‌افزایند. پس وجود سابقه نیک و صالح برای مشاور امری است واجب و غیر قابل اغماض. مشاور باید در همه امور و رفتار خود، پایه اندیشه و عمل را صداقت، پاکی، طهارت و اخلاص قرار دهد. باتقوا و خداترس باشد. چنانکه نبی اکرم (ص) قبلاً اشاره داشتند که: با پرهیزگارانی که آخرت را بر دنیا و کارهای شما را بر کار خودشان ترجیح داده و ایثار می‌کنند، مشورت کنید.

(ه) شنونده خوب باشد

شنونده خوب بودن در واقع یک نوع موفقیت است که می‌شود یک مشاور به آن آراسته باشد. زیرا زمانی که فردی مشکلیش را با مشاور مطرح می‌کند، انتظار دارد که مشاور به عنوان یک طیب روحی و یک دوست دل‌سوز به آن توجه داشته

باشد. به همین دلیل است که گوش دادن نباید فعالیت منفعلانه باشد؛ اگرچه دانشمند و جامعه‌شناس مشهور، «کارل راجرز»، اولین کسی است که اصطلاح «گوش دادن فعال» را ابداع کرده، ولی دین مقدس اسلام قبل از وی به این امر پرداخته بوده است. این کار یعنی انجام دادن کاری مثبت به جای طفره رفتن از صحبت کردن. گوش دادن فعال شامل پیام‌های غیرکلامی ذهن و بدن است که به مشوره‌گیرنده فرستاده می‌شود؛ به این معنی که در این لحظه شما مهم‌ترین فرد زندگی من هستید؛ چیزهایی که می‌گویید برای من جالب است و مرا نگران می‌کند؛ تمام توجه من به شما است.

فایده که بدون شک اثر درمانی دارد، این است که با وجود شنونده‌ای پذیرا، فرد قادر خواهد شد تا مشکلات خود را بیرون بریزد که اولین قدم برای رهایی از مشکل است؛ و همین کار باعث تخلیه هیجانی بزرگ می‌شود و علاوه بر این، باعث به وجود آمدن احساس تأییدی می‌شود که به طور خودکار از صحبت کردن با شنونده‌ای فعال به دست می‌آید؛ به این جهت که وی به عنوان یک انسان، احساس ارزشمندی می‌کند.

(و) بردبار باشد

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم مشاور یا راهنما، استقامت و پایداری در برابر حوادث ناگوار است. از دیدگاه اسلام، مشاور و راهنما باید بر احساسات خود مسلط بوده و هیچ عاملی نتواند سبب تزلزل وی شود. مشاور باید فردی مقاوم و مستقل و دوراندیش، دارای جنبه اعتماد به نفس، احترام به خود، صبور و

بردبار، اهل نظر و اهل فهم و نیز اهل منطق باشد.^۱
 موارد فوق، مهارت‌های عمومی بود که باید یک فرد مشاور
 به آنها مجهز باشد تا به اهداف اصلاحی دست یابد.

۲- مهارت‌های خاص

تاکنون این نوشته به زوایای مختلفی از مشاوره پرداخته تا
 آنچه را که طی فرایند مشاوره اتفاق می‌افتد، شرح دهد؛ اما
 مشاوره در واقع بخش علمی نظریه‌هایی است که در تأثیرگذاری
 عملکرد مشاوره حرف اول را می‌زنند. زیرا افرادی که مورد توجه
 مردم‌اند و احساس می‌کنند که می‌توانند برای رفع مشکل‌شان
 به آنها مراجعه کرده و حل مشکل نمایند، باید یک سری اصول
 خاص را داشته باشند؛ زیرا مشاور در واقع می‌خواهد به دنیای
 خصوصی شخص دیگری وارد شود که برای کمک به او مراجعه
 کرده؛ و این می‌طلبد تا فرد خود را با فضای زندگی آن آشنا
 سازد. مطالب زیر، اصول خاصی است که مشاوران را در جهت
 اجرای جلسه مشاوره خوب یاری می‌دهد. اگرچه اطلاق مهارت
 بر موارد ذیل شاید از دید بعضی‌ها مناسب نباشد؛ زیرا این
 موارد در قالب طرح چند سؤال است که مشاور باید پاسخ آنان
 را بداند و دانستن این پاسخ‌ها در واقع، دانش و مهارت مشاور را
 به نمایش می‌گذارد:

۱. مردی، مجید (۱۳۸۸)، آشنایی با اصول و مبانی راهنمایی و مشاوره، انتشارات اداره
 بهداشت و درمان ارتش، تهران، صص ۱۵۴-۱۶۶.

الف) داشتن هدف مشخص از جلسه مشاوره

مشاور در صورت امکان، باید زمانی را به فکر کردن با هدف داشتن جلسه‌ای مفید اختصاص دهد. دلایل داشتن یک جلسه مفید مشاوره می‌تواند همه و یا برخی از موارد زیر باشد:

۱) کمک به فرد نیازمند مشوره برای رهایی از مشکل ایجاد شده

۲) کمک به او برای درک واضح‌تر خود و مشککش

۳) حمایت از او به منظور پیدا کردن راه‌حل و تصمیم‌گیری مناسب

۴) به منظور نشان دادن علاقه و توجه خالصانه

ب) مشخص کردن اطلاعات مورد نیاز

مشاور باید اطلاعات هرچه بیشتری درباره فردی که به مشاوره می‌آید، داشته باشد. اگر جلسه مشاوره درباره ارزیابی عملکرد است، باید بداند که در جلسه گذشته چه اتفاقی افتاده و دست‌آوردها و شکست‌های اخیر شخص نیازمند به مشوره کدام‌اند. مشاور باید زمانی را برای مرتب‌کردن اطلاعات اختصاص دهد. خلاصه‌ای از آنها تهیه کند تا بتواند به راحتی در طول جلسه به آنها مراجعه کند. برای مشوره‌کننده بسیار دل‌سردکننده است که ببیند مشاور دائماً به دنبال مدارکی می‌گردد که باید قبلاً به عنوان یک فرد مصلح و راهنما در اختیار می‌داشت.

ج) انتخاب بهترین برنامه برای جلسه مشاوره

جلسه مشاوره برای اینکه مفید باشد، باید به درستی برنامه‌ریزی شود و توسط مشاور به خوبی رهبری شود. این اتفاق زمانی می‌افتد که مشاور یک برنامه اجمالی تهیه کند تا بتواند از همه وقت در دسترس، استفاده مفید کند. یک رویکرد پایه که در زبان انگلیسی «WASP» یاد می‌شود که این کلمه، مخففی است که هر حرف آن بیان‌گر یک حالت برای بیان و ارائه جلسه مناسب مشوره‌دهی است:

W: خوش‌آمدگویی^۱

A: کسب اطلاعات^۲

S: کاربرد اطلاعات^۳

P: جداسازی و گزینش اطلاعات^۴

یک برنامه کامل این اطمینان را می‌دهد که فرایند مشاوره در وقت معین و به طور کامل انجام شده است.

د) مشاوره باید چگونه شروع شود؟

مشاوره یعنی مکالمه‌ای هدف‌دار. در شروع یک مکالمه معمولاً افراد درباره مسائل نامرتبیطی مثل آب و هوا، ورزش، وضعیت

-
1. welcome
 2. acquiring information
 3. supplying information
 4. parting

سلامتی طرفین و... صحبت می‌کنند. اما این جملات آغازین هدفی دارند و آن این است که جمله‌ها در واقع آغاز مناسبی برای شروع بحث درباره مسائل مهم‌تر هستند و گفتگو را تسهیل می‌کنند و در مورد شروع یک مصاحبه هم دقیقاً به این صورت است. مشاور باید ابتدا خوش‌آمدگویی کرده و فضا را برای صحبت آماده کند. هرچه مراجع احساس راحتی بیشتری داشته باشد، درباره احساساتش راحت‌تر و شفاف‌تر حرف خواهد زد.

ه) وجود رابطه مشاور و مشوره‌گیرنده

رابطه‌ای که در جلسه مشاوره به وجود می‌آید، بازتاب همان رابطه روزمره‌ای است که بین افراد وجود دارد. اگر روابط آن دو سرد بوده باشد، باید کاری صورت گیرد تا فضای دوستانه‌تر و گرم‌تر داشته باشند. بهترین نوع رابطه آن است که هر دو طرف احساس راحتی کنند، به طور طبیعی رفتار کنند و خیلی صادقانه و راحت صحبت کنند.

و) ارائه موضوعات قابل بحث

در مشاوره لازم است به حقیقت دست یافت. اغلب چیزی که برای یک نفر حقیقت است، ضرورتاً برای دیگری حقیقت محسوب نمی‌شود. اگر جلسه درباره عملکرد است، مشاور باید هرچه بیشتر درباره دست‌آوردهای وی و نحوه انجام دادن کارها اطلاعات به دست بیاورد. اگر شکست‌هایی بوده، باید دقیقاً درباره آنها همه چیز را بداند و به روش غیرتهدیدآمیز با فرد مشوره‌گیرنده صحبت کند.

نهایتاً هدف مشاوره غلبه بر مشکلاتی مثل عملکرد ضعیف است نه صرفاً نقش یک قاضی مستبد را بازی کردن. برای فرد باید برخی امیدها را داد تا متوجه شود که چه کاری باید انجام دهد تا در آینده شانس خود را افزایش دهد. این امر هرچند دشوار است، ولی گاهی او اذعان می‌کند که هیچ شانس برای پیشرفت در آینده ندارد؛ اما مشاوره به او کمک می‌کند تا این واقعیت را بپذیرد و بر آن غلبه کند.

سوم) مسئولیت‌ها و وظایف مشاور

مشاوره، رابطه‌ای است بین دو فرد که در آن یکی می‌کوشد تا دیگری را درک و در حل مسائل سازگاری و انطباقی کمک کند. زمینه مشاوره انطباقی، بیشتر شامل مشاوره تحصیلی، مشاوره حرفه‌ای و اجتماعی و نظایر آنهاست. انسان‌ها در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیرند، همان‌گونه که از یک‌سری حقوق و امتیازاتی برخوردارند، در مقابل یک نوع مسئولیت‌هایی را هم الزاماً دارند که باید آنها را مراعات کنند؛ در غیر آن صورت، در حرفه‌شان موفق نخواهند بود. اما افراد در شرایط مختلف به روش‌های گوناگونی عمل می‌کنند. یک فرد منطقی می‌تواند با آرامش خاطر و با درک مسئولیت خویش، تمام ابعاد و جوانب یک مشکل را در نظر بگیرد تا بتواند بهترین کار مناسب را انجام دهد؛ و همین فرد احتمال دارد که در موقعیتی خاص، به صورت عصبی و هیجانی با موضوع برخورد کند. نکته اساسی در این مورد همان تفاوت رفتار افراد در ساحات مختلف زندگی است. وقتی که این تغییر رفتار بسیار شدید باشد، ممکن است این‌گونه تعبیر شود

که افراد تغییر کرده‌اند. پس این تفاوت در شخصیت افراد است که مشاور را وامی‌دارد که تصمیم مناسب گرفته و مسئولیتش را سنجیده‌تر انجام دهد.

مشاوره کارآمد و مفید، به رابطه‌ای باز و قابل اعتماد میان مشاور و شخص نیازمند به مشوره ضرورت دارد. اما باید در نظر داشت که گاهی عوامل بیرونی، فشارهایی را وارد می‌سازند که مشاوره را تا حد زیادی به مشکل مواجه می‌سازد. اما این معیارهایی که به عنوان مسئولیت‌های مشاور مطرح است، می‌تواند در جهت مؤثریت مشاوره‌ای که از سوی شخص مشاور ارائه می‌شود، خیلی مفید واقع شود. این مسئولیت‌ها و یا وظایف که باید از سوی فرد مشوره‌دهنده مراعات شود، عبارت‌اند از:

۱) تعهد در برابر مشوره‌گیرنده

ارزش وجودی انسان‌ها به تعهدات آنان است که باید در مقابل همدیگر رعایت کنند. مشاور هم به عنوان انسان شایسته و مورد احترام همه، باید بیشتر از سایرین به این امر توجه داشته باشد؛ زیرا فرد مشوره‌گیرنده با بیان اسرار زندگی و اعتماد به مشاور، همه را در طبق اخلاص پیشکش می‌کند. او باید به این اعتماد بی‌احترامی نکند. او باید حرمت این امر مقدس را حفظ کند. عمل به تعهدات، یک امر شرعی و انسانی است و حرف‌هایی که بین مشاور و مشوره‌گیرنده رد و بدل می‌شود، مانند گنجینه‌ای امانتی است نزد مشاور و او باید در حفظ آن کوشا باشد. «الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ» یعنی: اینکه مجلس و موضوع

مشوره‌شان امانت است و بناءً شخص مشاور باید در حفظ آن کوشا باشد.

(۲) ارائه مشاوره سودمند

مشاور قاضی نیست، مشاور ناصح هم نیست، مشاور یک انسان خردمندی است که فقط افراد را جهت رسیدن به آرزوهای مشروع‌شان کمک می‌کند. تنها هدف مشاور، ارائه راه‌حل‌هایی برای مشوره‌گیرنده است تا از میان چندین راه، بهترین راهی که مفیدتر و مؤثرتر باشد، را انتخاب کند.

اگر در اوصاف، وظایف و مسئولیت‌هایی که برای مشاور بر شمرده‌ایم، دقت شود، به راحتی دانسته می‌شود که مشاور انسان عادی نیست و شخصی است باتجربه، مؤمن، درست‌کار، صادق و مورد اعتماد. از چنین انسانی جز ارائه مشوره سودمند چیز دیگری انتظار نمی‌رود. پس ارائه مشوره سودمند، مفید، صادقانه و مؤثر، نه یک مسئولیت و وظیفه بلکه رسالت ایمانی و الهی است که بر دوش مشاور گذاشته شده است. آنانی که در ادای رسالت و مسئولیت‌شان، اصول و معیارهای الهی و انسانی را نادیده گرفته و برخلاف ارزش‌های انسانی و اجتماعی عملی را انجام می‌دهند، هرگز از سوی خدا و جامعه مورد بخشودگی قرار نخواهند گرفت.

(۳) رعایت اصل محرمیت

موضوع مشاوره کاملاً شخصی و محرمانه است که تنها مربوط به دو نفر است و نباید از دایره این دو نفر بیرون برود. زیرا

فرد مشوره‌گیرنده، مشاور را محرم اسرار خود دانسته است و او نیز نباید به این اعتماد، خیانت کند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ» و نباید خیانتی در این امانت صورت بگیرد.

مشاوره یک تقابل است. برای مشاور به معنای این است که وی در تلاش است تا به دنیای خصوصی شخص دیگری که برای کمک به او مراجعه کرده، وارد شود. در جریان مشاوره اطلاعات زیادی درباره مشکلات و مسائل خصوصی و احتمالاً پریشان‌کننده مراجعین برای مشاور بیان می‌شود. این اطلاعات باید در مقابل دیگران و حتی بستگان نزدیک فرد مشوره‌گیرنده به عنوان راز حفظ شود. در غیر این صورت، به اعتماد مراجع به مشاور خدشه وارد می‌شود.^۱

۴) عدم جانب‌داری

بی‌طرفی در ارائه نظر یک اصل انسانی است، فرقی هم ندارد که مشاور باشد یا قاضی. در هر صورت عدم جانب‌داری در ارائه نظر و دیدگاه، نشانه عدالت به شمار می‌رود. به همین دلیل یکی دیگر از اصول مشاوره سالم و سازنده عدم جانب‌داری در ارائه راه‌حل در مشوره به شمار می‌رود. به همین دلیل است که خداوند بشریت را در اجرای احکام، فرامین، دستورات و نظریات به عدالت دستور داده است. خداوند (ج) در قرآن کریم می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»^۲ و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ...»^۳

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲. سوره مائده/ آیه ۸.

۳. سوره نساء/ آیه ۱۳۵.

(۵) ایجاد فضای اعتماد

اعتماد، زیباترین و در عین حال قوی‌ترین ابزار است که می‌شود از آن برای یافتن مشکل و ارائه راه‌حل مناسب برای شخص نیازمند به مشوره استفاده کرد. مشاور در واقع می‌خواهد وارد حریم خصوصی فرد دیگری شود و در این مسیر یک مشکل وجود دارد و آن بی‌اعتمادی است که باید برداشته شود. مشاور باید فضای مملو از اعتماد متقابل ایجاد کند تا فردی که برای مشوره آمده است، داوطلبانه درهای فضای زندگی‌اش را به روی مشاور بگشاید تا وی بتواند به آن وارد شود. اگر از قبل رابطه خوبی بین آن دو وجود داشته باشد، این فرایند به آسانی انجام می‌شود و مشوره مفید شروع به پیشرفت می‌کند. اگر این رابطه خوب وجود نداشته باشد و مشاور خواسته باشد که خودش را فردی قابل اعتماد، شایسته و بدون ضرر نشان دهد، قطعاً وقت بیشتری خواهد برد.

اگر ما شاهد یک رابطه مناسب و با اعتماد میان مشوره‌گیرنده و مشاور نباشیم، مشوره کاملاً بی‌اثر می‌شود و مشاور نمی‌تواند با فردی که تمام تلاش و انرژی‌اش را برای دفاع از زندگی خصوصی‌اش از دست‌درازی‌های دیگران صرف می‌کند، ارتباط برقرار کند. دسترسی به دنیای درونی افراد یک فرصت مناسب برای یافتن اصل مشکل بوده و یک امتیاز ویژه است. مشاوران باید زمانی که به فضای زندگی خصوصی فرد دیگری دعوت می‌شوند، باید قدر این اعتماد را بدانند. زیرا ایجاد فضای اعتماد موضوعی نیست که به آسانی به دست بیاید و نیازمند

صرف نیروی مادی و معنوی فراوانی است.

۶) ایجاد زمینه میانجی‌گری

اکثر افرادی که می‌خواهند برای رفع مشکلات زندگی‌شان با فرد دیگری مشوره کنند و از وی کمک بخواهند، در واقع به صورت غیرمستقیم هدف‌شان زمینه‌سازی برای آشتی و نوعی کنارآمدن با آن مشکل است؛ و با مشوره با فرد ثالث به شکلی از وی می‌خواهند که میانجی‌گری کرده و نگذارد مشکل‌شان از این هم حادث‌تر و بغرنج‌تر شود. بنابراین می‌توان این موضوع را این‌گونه تعبیر کرد که مشاور باید حقایق زندگی فرد مشوره‌گیرنده را کشف و برای آشتی دادن وی با آن موضوع، راه‌حل خوبی را پیشنهاد کند. نقش مشاور، تمرکزکردن روی دیگران (افراد نیازمند به مشوره) است تا آنها هم با تمرکز روی مشکلات‌شان، به کمک واقعی دست پیدا کنند. برای مشاور، این به معنای به‌دست‌آوردن اعتماد دیگران است که می‌تواند به آنها کمک کند تا فضای زندگی‌شان را کشف کنند و با آن مشکل آشتی کنند. در واقع مشاور نقش میانجی‌گری را بازی می‌کند که با اصول خاصی آشناست و این امر به وی کمک می‌کند تا زودتر به اهدافش که همان میانجی‌گری است، دست یابد. اما نوع کار و فعالیتی که مشاور و یا همان میانجی‌گر می‌تواند انجام دهد، بستگی به نوع مشکل، شخص مراجعه‌کننده و شدت و خفت خود مشکل دارد. با مطالعه روی این موارد می‌شود راهکارهای متعددی را پیشنهاد کرد که به صورت خلاصه مشاور می‌تواند در

سه جهت مشخص برای مراجعه کننده کمک کند:

اول) افراد معمولاً تمایل دارند تا خاطرات و واقعیت های ناخوشایندشان را در انتهای ذهن شان واپس رانی کنند. بنابراین بهترین کار برای شان همان فراموشی است. یک مشاور متخصص، کاردان و باتجربه می تواند به افراد کمک کند تا موضوعاتی را که خیلی قبل تر فراموش شده اند و احتمالاً بر بروز مشکلات جاری اثر گذاشته اند، به یاد بیاورند. چون از خلال آنهاست که می توان راه درمان مشکل را یافت.

دوم) مشاور می تواند به افراد کمک کند تا موضوعات را از زاویه دیگر بنگرند. فقط یک نگاه متفاوت و یک حس نو و نگاه با عینک شفاف و ساده می تواند بینش های جدیدی را در مورد موضوعات برای افراد ارمغان بیاورد.

سوم) مشاور می تواند به افراد کمک کند تا آنها نتایج احتمالی و دلایل اعمال شان را در نظر بگیرند و بررسی کنند. این روش ممکن است با مطرح کردن سؤالاتی همچون: «اگر شما فلان کارها را انجام بدهید، فکر می کنید که چه اتفاقی خواهد افتاد؟» انجام شود؛ که پاسخ به این پرسش احتمالاً این باشد که «من تا به حال هرگز به این موضوع فکر نکرده بودم». در حقیقت این مهارت مشاور است که یک فرد را وادار می کند تا ابعاد دیگری از مشکل را که نمی خواسته به صورت دیگری حل شود، در نظر بگیرد.

۷) عدم تحکّم و تصمیم‌گیری در مشاوره

یکی از عوامل عمده‌ای که سبب می‌شود افراد از اطرافیان‌شان گریزان باشند، همین موضوع تحکّم و تصمیم‌گیری برای‌شان است بدون آنکه آنان را در فرایند حل مشکل سهیم بدانند. به همین دلیل است که فرد نیازمند به مشوره از چنین وضعی فرار کرده و برای حل مشکلش به مشاوره روی می‌آورد. زیرا او فکر می‌کند که مشاور مانند یک دوست است که به حرف‌های وی گوش داده و برای برون‌رفت از مشکل، گزینه‌های مختلفی را پیش روی او قرار می‌دهد. مشاور نه حاکم است و نه هم قاضی، بلکه یک دوست است که برای رهانیدن دوستش از مشکل به او کمک می‌کند تا با کمک یکدیگر بهترین گزینه برون‌رفت را پیدا کنند.

تفاوت مشاوره با حکمیت و قضاوت در این است که مشاوره، فرد نیازمند به مشوره را قادر می‌سازد تا خودش راه‌حل مشکل را بیابد. در این میان، مشاور مسئولیت مشکل فرد نیازمند را به دوش نمی‌گیرد و در واقع به فرد نیازمند کمک می‌کند تا مسئولیت کامل آن را بپذیرد و از اینکه در صورت امکان خود را کنار بکشد، خوشحال می‌شود.

مشاور هیچ‌گاه نصیحت نمی‌کند و همچنین از فرد نیازمند به مشوره انتقاد نمی‌کند. او معتقد است که فرد نیازمند، خودش می‌داند که چه چیزی برایش بهتر است؛ و به او کمک می‌کند تا بهترین گزینه را از میان گزینه‌هایی که در ذهنش وجود دارد،

انتخاب کند. مشاور بیشتر به جای اینکه صحبت کند، گوش می‌کند و با استفاده از مهارت سؤال‌پرسیدن، فرد نیازمند را وادار می‌کند تا مشکل خود را از زوایای مختلف، کشف و تحلیل کند. پس خوب است که به جای نصیحت‌کردن، تحکم‌کردن و یا قضاوت‌کردن، راه‌حل‌های خوب و مناسب رشد و ترقی ارائه دهیم. راه‌حل‌هایی که فرد نیازمند به مشوره هرگز به آنها فکر نکرده و اکنون ما با این روش اجازه می‌دهیم راهی را انتخاب کند که به نظرش درست می‌آید.

۸) عدم دخالت در امور ارزشی و حساسیت‌زا

هر انسان برای خود اصولی دارد که نزدش از ارزش والایی برخوردار است. این ارزش‌ها می‌تواند مادی (ناموس، قومیت، منطقه و...) باشد یا معنوی (عقیده، ایمان و سایر مقدسات) باشد. انسان‌ها وقتی روی این موارد دچار مشکل می‌شوند، نمی‌شود بر سر آنها معامله انجام داد. به همین دلیل است که شخص مشاور که در حقیقت می‌خواهد اصلاحی به وجود بیاورد، حق ندارد به موارد و موضوعاتی که ارزشی و حساسیت‌زاست، وارد شود و یا درباره آنها ابراز نظر کند. حتی قرآن کریم هم مسلمانان را از توهین و بی‌احترامی به ارزش‌های مشرکین منع کرده است و می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۱ زیرا این امر سبب منازعه و کشمکش بیشتر خواهد شد.

۹) در نظر گرفتن عواطف و احساسات

همه موجودات عالم به شکلی از اشکال، دارای عواطف و احساس هستند و این امر را در وجود انسان‌ها به وفور و کثرت می‌توان یافت. اصلاً نمی‌توان انسانی یافت که احساس و عاطفه نداشته باشد؛ و اگر سراغ دارید، بدانید که او شکل انسانی دارد و در واقع یک موجود بی‌جان است. پس احساس و عاطفه جزء اصلی زندگی انسان‌ها به شمار می‌رود. افرادی که به مشوره نیاز دارند، در واقع کسانی‌اند که بیشتر از همه، احساسات و عواطف‌شان جریحه‌دار شده است. همین امر آنان را واداشته تا برای التیام و تداوی این آسیب، نزد کسانی بروند که گمان می‌کنند می‌توانند آنان را در جهت غالب‌شدن بر این معضل و التیام‌بخشیدن زخم‌هایش کمک کنند. پس فضای زندگی یک فرد دنیایی است که خودش تجربه کرده و آن را برای خود ساخته است؛ ولی نکته اساسی این است که دنیایی که تجربه می‌شود، فقط یک بُعد از زندگی است؛ بُعد دیگر زندگی را عواطف و احساسات ما تشکیل می‌دهند.^۱

فردی که مشکلی را نزد شخص مشاور راجع می‌سازد، احساسات و عواطف در آن دخالت خواهند داشت که ممکن است این عواطف قوی باشند یا ضعیف. برخی اوقات مؤلفه‌های یک مشکل، عاطفه و احساسات قوی مانند عشق یا نفرت نسبت

۱. اردبیلی، یوسف (۱۳۸۹)، اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، انتشارات بعثت، تهران، صص ۲۶۰-۲۷۰.

به فردی است که نمی‌توان آن را آشکار ساخت. عده‌ای از افراد به راحتی متوجه احساسات‌شان می‌شوند و می‌توانند صریح و شفاف آن را بیان کنند. ولی در مقابل، عده‌ای دیگر هستند که خود را جدا از احساسات‌شان می‌دانند و نمی‌توانند آنها را بیان کنند و از ظاهرشان هم چیزی پیدا نیست و نمی‌توان آن را تشخیص داد.

در یک مشاوره مؤثر، مشاور به جستجوی فرصت‌هایی برای بیان احساسات می‌پردازد و این فرصت‌ها معمولاً به دو طرف قضیه کمک می‌کند تا بتوانند روی حوادث و بحران‌های مهم متمرکز شوند. هر مشکلی باعث ظهور احساسی مانند نگرانی، دلواپسی، اضطراب و ترس می‌شود که هرچه قوی‌تر احساس شود، مشکل بزرگ‌تر خواهد بود.

با در نظر داشت موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم افرادی که نیازمند مشوره‌اند، معمولاً دچار یک نوع مشکلاتی‌اند که آن مشکلات، عواطف و احساسات‌شان را جریحه‌دار کرده؛ و او با مراجعه به مشاور، در واقع می‌خواهد آن نادیده‌هایش را که دیگران ندیده‌اند و به عواطف و احساسات وی توجه نکرده‌اند، بیان کند. مشاور برای یافتن یک روش معقول برای حل مشکل وی، در گام نخست باید به احساسات وی توجه و احترام بگذارد تا با آرام‌ساختن وی، راهکاری را پیشکش کند که می‌تواند برای مراجع مفید واقع شود و زندگی‌اش را از فروپاشی نجات دهد.

فصل چهارم

صلاحیت‌ها و عدم صلاحیت‌های مشاور

صلاحیت و یا عدم صلاحیت‌های مشاور، در واقع همان مسئولیت و عدم مسئولیت مشاور است که در جریان ارائه خدمات مشوره برای افراد باید در نظر داشته باشد؛ که در لابه‌لای مباحث به صورت پراکنده به آنها اشاره شده است. در این فصل تلاش بر آن است تا به صورت فشرده و شفاف‌تر به این امر پرداخته شود تا افرادی که به عنوان افراد خیر و نیک‌سیرت در بین مردم مشهورند و به همین دلیل افراد برای یافتن راه‌حل معقول برای مشکلات‌شان نزدشان می‌آیند، بدانند که در وقت مشوره‌دادن به چه مواردی وارد شوند و از چه اموری پرهیز کنند تا با رعایت این اصول، مشوره بهتر و مؤثرتری برای مراجعین خود ارائه دهند.

الف: صلاحیت‌های مشاور

به‌کار بستن روش‌های ساده‌ای که در بالا توصیف شدند،

لااقل توسط مشاورى ماهر، فهمیده و باتجربه در یارى رساندن برای فردى که نیازمند مشوره است، مفید و مؤثر است. به نظر مى‌رسد این اصول، شرایط لازم و کافى برای دست‌یابى مشوره‌گیرنده به راه‌حل مناسب و مورد نیازش را در اختیار او قرار دهد. اما صلاحیت‌هایی که مشاور مى‌تواند از آن برخوردار باشد چیست؟ به همین دلیل هرگاه سخن از صلاحیت‌ها مى‌شود، بلافاصله ذهن ما متوجه یک‌سری اوامر و نواهی مى‌شود که معمولاً افراد ذى‌نفوذ و مسئولین ادارات از آن برخوردارند و به کارمندان‌شان دستور مى‌دهند. ولى زمانى که سخن از صلاحیت‌های مشاور مى‌شود، هرگز منظور از آن، اوامر و نواهی مورد نظر نبوده و نمى‌باشد؛ زیرا مشاور نه به عنوان فرد متنفذ به مراجعش نگاه مى‌کند و نه هم به عنوان قاضى و یا مسئول ادارى؛ بلکه مشاور، فرد اجتماعى و خیرى است که هدفش جز نشان‌دادن راه برای فرد راه‌گم‌کرده، چیز دیگرى نیست. همان‌گونه که تعریف آن با سایر اشخاص متفاوت است، صلاحیت‌های آن نیز متفاوت مى‌باشد. به همین دلیل است که باید این موضوع را بیشتر توضیح داد تا تفاوت صلاحیت‌های مشاور با سایر افراد مشخص شود.

فعالیت اصلی مشاور این است که به شخص نیازمند به مشوره و یا خانواده او کمک کند تا به شناخت، نگرش، باورها و مهارت‌های مناسبی برای حل مسئله‌اش دست یابند که آنان را قادر بسازند با مسائل یا تغییرات ناشى از اختلال در سلامتى، به نحو مؤثرى عمل کنند و تطابق یابند. در واقع این خود یک نوع

صلاحیت است که به وی اجازه می‌دهد تا وارد زندگی دیگری شود و برای خلاصی وی از مشکلات، یاری‌اش دهد.

فعالیت‌ها و صلاحیت‌های ذیل برای دستیابی به اهداف مشاوره کمک می‌کند:

(۱) برقراری ارتباط مؤثر با مراجع

(۲) کسب و ارائه اطلاعات لازم از طریق به جریان انداختن و هدایت بحث مشاوره

(۳) شناسایی و درک مشکلات مشوره‌گیرنده و ابراز این درک به او. افرادی که برای دریافت یاری مراجعه می‌کنند، خواستار آن هستند که توسط افرادی که با آنها مشاوره می‌کنند، درک شوند. بدین منظور مشاور ممکن است با تکان دادن سر، نگاه کردن، توجه به مرادهای کلامی و غیرکلامی، پرسیدن و بازتاب دادن آنچه گفته شده، توجه و درک خود از مراجع را ابراز کند. هنگامی که فرد احساس می‌کند او را درک می‌کنند، خود تسلاهی قابل توجه است؛ حتی اگر چیزی ارائه نشود، این احساس همچنین موجب افزایش اعتماد و مشوق آشکار ساختن خود می‌باشد.

(۴) بررسی و تشریح دلالت‌ها و اثرات مشکوک بر کار، زندگی و روابط اجتماعی شخص مشوره‌گیرنده از طریق گفتگوی مسالمت‌آمیز و مهربانانه

(۵) استخراج و توصیف تمام مسائل و دغدغه‌های مشوره‌گیرنده، آن‌گونه که خودش آنها را می‌بیند.

(۶) توجه و پرس‌وجو درباره روابط با خانواده، دوستان،

همکاران و متخصصان و سایر پرسش‌هایی که ممکن است در این زمینه مطرح باشد.

۷) صلاحیت و پرسش‌هایی که مشاور می‌تواند از آن پرسان کند، این نوع پرسش‌ها را شامل می‌شود:

الف) آیا فرد دیگری درباره مسئله اطلاع دارد و چه کسی؟

ب) چه فرد یا افرادی ممکن است بیشتر تحت تأثیر باشند و چگونه؟

ج) چه کسی تمایل دارد که «در مراقبت و حمایت از مراجع» درگیر باشد؟

۸) صلاحیت یاری‌دادن به مشوره‌گیرنده از طریق بحث برای تعیین اولویت‌ها و ترتیب مسائل برای رسیدگی و حل آنها

۹) صلاحیت تشخیص اینکه مشوره‌گیرنده چگونه به مشکل خود بنگرد و کمک به او برای در نظر گرفتن دیدگاه‌های دیگر و شناخت ابعاد و جوانب دیگر مشکل

۱۰) صلاحیت کمک به مشوره‌گیرنده برای اینکه احساس کند گزینش‌های متعددی برای او وجود دارد.

در نتیجه ناخوشی یا اضطراب ناشی از مواجهه با مشکل، مشوره‌گیرنده ممکن است احساس کند که راه چاره و تصمیمی برای او وجود ندارد. با چنین احساسی، فرد مقداری از اعتماد به نفس و استقلال خود را از دست می‌دهد.

۱۱) صلاحیت حفظ درجه‌ای از بی‌طرفی در ارتباط با شیوه

زندگی مشوره‌گیرنده و تصمیماتی که درباره نحوه سازگاری با مشکل خواهد گرفت. این کار به افزایش اعتماد به نفس و احساس استقلال او کمک می‌کند.

۱۲) کمک به مشوره‌گیرنده برای تدبیر و حل مسائل خود از طریق ارتقای سطح دانش و اطلاعات و قادر ساختن او برای نگرستن و تحلیل موقعیت خود از جوانب مختلف و افزایش دامنه انتخاب و تصمیم‌گیری آگاهانه

۱۳) کمک به تقویت اعتماد به نفس، پذیرش مسئولیت مشوره‌گیرنده و واگذاری مسئولیت به او برای حل مسئله

۱۴) صلاحیت‌شناسایی موانعی که ممکن است مانع تغییر شوند و توجه به راهکارهایی برای غلبه بر آنها

این امر ممکن است مستلزم شناسایی تجربه‌های موفق مشوره‌گیرنده در گذشته برای کسب اعتماد به نفس، یادگیری شیوه‌های جدید برای تعامل با افرادی که مانع محسوب می‌شوند، کشف و ابداع برنامه‌های جدید برای نیل به هدف باشد.

۱۵) صلاحیت کمک به مشوره‌گیرنده برای حفظ امید واقع‌بینانه و تصدیق توانایی‌های تطابقی او

بدین منظور تغییرات مثبتی که در زندگی مشوره‌گیرنده و در مقابله با مشکل رخ داده است را شناسایی و برجسته کنید.

۱۶) صلاحیت ترغیب و کمک به مشوره‌گیرنده برای اینکه با افرادی که در مراقبت و حمایت از او نقش مؤثر دارند، تعامل

داشته باشد (مثل اعضای خانواده، دوستان و همکاران). این نوع تعامل سبب کاهش وابستگی به مشاور یا متخصصان دیگر می‌شود. صلاحیت تشریک مساعی با سایر افرادی که ممکن است با مشوره‌گیرنده به نوعی کمک و همکاری کنند.

موارد فوق در واقع نوعی از صلاحیت‌هایی است که مشاور می‌تواند در جریان مشوره‌دهی از آنان برای مفید واقع شدن مشوره‌اش استفاده کند. اگر ما برای مشاور در ارائه مشوره‌هایش هیچ نوع صلاحیتی را در نظر نگیریم، شخص مشاور نمی‌تواند گام مفید و مناسبی برای یافتن راه‌حل برای مشکل شخص مشوره‌گیرنده ارائه کند. اما این صلاحیت‌ها به معنای داشتن قدرت و اعمال نفوذ برای حل مشکل آن‌گونه که مشاور می‌خواهد نیست، بلکه هدف از آنها دادن فرصت برای مشاور است تا با تجزیه و تحلیل قضایا ابعاد مختلف آنان را سبک و سنگین کند.

ب: عدم صلاحیت مشاور

هدف از این بحث این است که مشاور موفق کسی است که با استفاده از دانش و مهارت‌های لازمی که دارد، مشوره‌گیرنده را در جهت اتخاذ تصمیم مناسب کمک کند. کمک کردن یک فرایندی است که نباید در آن هیچ‌گونه اهرم و یا قوه فشاری وجود داشته باشد. شخص مشوره‌گیرنده باید خود با در نظر داشت تجارب و نظریات فرد مشاور، مسیر درست و سالمی را برای خود برگزیند. برای مشاور ظاهراً ضرورتی ندارد که به سؤال‌های خاص بپردازد، آزمایش کند، تعبیر و تفسیر کند و یا به دادن پند و اندرز و امثال آنها مبادرت ورزد. پس مشاور موفق کسی است که باید

خود را از موارد ذیل دور نگهدارد و هرگز در مشوره خویش از آنان استفاده نکند.

(۱) حکم کننده نیست

حکم کردن وظیفه و جزء صلاحیت‌های «حکمت» است. حکمت یک نوع مصالحه و یا میانجی‌گری است که توسط دو شخص که مورد اعتماد افراد متنازع می‌باشد، صورت می‌گیرد. در حکمت هیچ نوع صلاحیت و اختیاری برای شخص مورد نظر (کسی که در مورد آن حکمت صورت می‌گیرد) مطرح نیست؛ فقط خود حکمین‌اند که برای دستیابی به راه حل مناسب، بحث و گفتگو کرده و در نهایت نتیجه حکمت‌شان را به اطلاع افراد متنازع‌فیه می‌رسانند؛ و هیچ کس هم صلاحیت مداخله در فیصله حکمین را ندارد.

با در نظر داشت مباحثی که در خصوص حکمت مطرح شد، مشاهده می‌شود که چقدر تفاوت است میان مشورت دادن و حکمت کردن. با در نظر داشت همین موارد است که مشاور نباید حکم کند؛ زیرا در وقت مشوره اگر از حکمت استفاده شود، آثار مطلوب و مؤثری را مشاهده نخواهیم کرد. چون مشوره نشان دادن راه و یا راه‌های مناسب برای حل مشکل مشوره‌گیرنده با همکاری خود اوست؛ ولی حکمت هیچ نوع نقشی برای فرد مورد نظر نمی‌دهد. بنابراین یکی از مهم‌ترین اعمالی که مشاور نباید انجام دهد، حکم کردن برای فرد مشوره‌گیرنده است. اگر چنین کند، هرگز به هدف اصلی مشوره که همان راهنمایی و ارائه راه حل برای فرد مورد نظر است، دست نخواهد یافت. به

همین دلیل توصیه دانشمندانی که سالیانی را در این عرصه، کار و تجربه کسب کرده‌اند، برای بزرگان و شخصیت‌های علمی و مردمی این است: زمانی که فردی به عنوان مشاور مورد توجه افراد قرار می‌گیرد، هرگز نباید از قدرت و نفوذ خود برای حل مشکل استفاده کند؛ در غیر آن، دیگر به عنوان مشاور از طرف مردم احترام نخواهد شد.

۲) عدم استفاده از کلمات و عبارت نامناسب

از آنجایی که فضای زندگی هر فردی منحصر به خود اوست، لذا راه‌حل‌ها برای هر مشکل هم نیز باید متناسب با این فضا باشد. این موضوع باعث می‌شود که پیشنهادهای دیگران معمولاً نامناسب به نظر برسند؛ یا وقتی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند، نامطلوب و حتی خطرناک باشند. در مشاوره باید از پیشنهادهایی که بر نظرات و تجربیات دیگران استوار است، و جملاتی از قبیل «اگر من به جای تو بودم...» و امثال آن، اجتناب شود. باید توجه داشت که راه‌حل‌های مناسب و واقعی باید متناسب با الگوی کلی رفتار فرد و هم‌خوان با شخصیت وی باشد.

همان‌گونه که گفته شد، برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای مشاوره، هدایت‌گری فرد مشوره‌گیرنده را مختل می‌کند و فرایند مشوره را بی‌نتیجه خواهد ساخت. بنابراین علاوه بر موارد فوق، موارد دیگری نیز هست که از چشم خیلی‌ها پنهان مانده است. به همین دلیل تأکید و توصیه ما به همه آنانی که به نوعی در عرصه‌های اجتماعی و مشوره‌دهی فعالیت دارند این است که از برخی رفتارها که می‌تواند بر روند مشوره‌دهی‌شان

آسیب جدی وارد سازد، اجتناب کنند. این رفتارها موارد زیر را شامل می‌شوند:

(۱) نیاز به دوست داشته‌شدن توسط مشوره‌گیرنده: برخی افرادی که نقش مشاور را بازی می‌کنند ولی تجربه چندانی در این عرصه ندارند، احساس می‌کنند که باید توسط فردی که از آنان مشوره می‌گیرد، مورد تحسین و تمجید قرار گیرند؛ در غیر آن، احساس ناکامی و اضطراب کرده و حتی از خود رفتارهای خشن و پرخاش‌گرانه‌ای به سوی شخص مشوره‌گیرنده ابراز می‌دارند.

(۲) بروز برخی رفتارهای نامناسب: شخص مشوره‌دهنده (مشاور) باید از برخی رفتارهای نامناسب، مانند: گپ‌های نامربوط، درد دل‌های دوستانه، خنده‌های بی‌جا و مسخره‌کننده، افشای مسائل و مشکلات شخصی و... دوری جوید.

(۳) کوشش برای حل مشکل مشوره‌گیرنده به صورت زودهنگام: فرد مبتدی و نووارد به دلیل فقدان تجربه و وجود فشار و کمبودی که در خود احساس می‌کند، برای حل مشکل آن فرد خیلی عجله دارد. به همین دلیل قبل از موعد مقرر اقدام می‌کند که در نهایت حل مشکل و یافتن راه‌حل مناسب از پیشش گم می‌شود.

(۴) باقی ماندن در سطح ظاهری مشکلات: مشاور موفق کسی است که بتواند در وقت مشاوره با فرد نیازمند از سطح ظاهر مشکلات بیرون شده و به عمق قضایا وارد شده و خود را از آن آگاه سازد؛ و مشاور موفق باید این مهارت‌ها را در خود افزایش دهد.

۵) ستیزه‌کردن و مخالفت و مشاجره با فرد مشوره‌خواه: این کار از مخرب‌ترین حالاتی است که می‌تواند در مشوره نتیجه منفی و معکوس داشته باشد.^۱

همان‌گونه که بیان شد، این نوع رفتارها نیز سبب می‌شود که ما شاهد یک مشاوره موفق و مؤثر نباشیم. بنابراین رفتارهای آمرانه، نصیحت و سخنرانی برای فرد مشوره‌گیرنده نیز از جمله رفتارهایی‌اند که فرایند یک مشاوره خوب را تخریب کرده و سبب ظهور پیامدهای منفی ناگواری خواهد شد.

ج) پیامدهای مشاوره

هر عمل، عکس‌العملی دارد و هر فعالیتی، پیامدی به همراه دارد. مشوره نیز یک فعالیت است و یقیناً پیامدهایی را می‌توان برای آن در نظر گرفت؛ اما اینکه آیا این پیامد مثبت است یا منفی؟ بستگی به نوع مشاوره و خود شخص مشاور دارد که در ذیل به این موارد اشاره می‌شود:

الف) پیامدهای مثبت مشاوره

انسان عاقل همیشه در جستجوی بهترین روش‌ها برای حل یک مشکل است تا با کمترین هزینه بهترین دست‌آورد را داشته باشد. برای دستیابی به نتیجه مطلوب در مشاوره، مشاور باید با در نظر داشت حالات مختلف، پیامدهای مشاوره‌اش را پیش‌بینی کند و برای دست‌یافتن به این امر باید روش‌هایی عملی که

۱. مردی، مجید (۱۳۸۸)، آشنایی با اصول و مبانی راهنمایی و مشاوره، انتشارات اداره بهداشت و درمان ارتش، تهران، ص ۱۷۰.

می‌تواند منتج به نتیجه مورد نظر شود را تجربه کند. اما اینکه چگونه باید با یک پدیده ناهنجار برخورد کند تا پیامد مطلوبی از مشاوره حاصل شود، باید در مواردی که شریعت اسلامی در این حوزه بیان داشته است، دقت بیشتری صورت گیرد. روش‌های برخورد با مشکلات رفتاری از دیدگاه اسلام را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول) روش‌های پیش‌گیرانه: این روش‌ها از بروز مشکلات رفتاری جلوگیری می‌کنند. اگر آدمی در جهت خداشناسی و توجه به مبدأ هستی، خودشناسی، شناخت جهان اطراف، التزام عملی به فرایض، آراستگی به تقوا، الگوپذیری از اولیا، بهره‌وری و شکر نعمت‌های خدادادی، عنایت به خیر خود و مردم، مسئولیت‌پذیری و توجه به اهداف زندگی حرکت کند، در ورطه آلودگی‌ها و مشکلات رفتاری نمی‌افتد. در قرآن مجید «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۱ به کرات آمده است. در اسلام، ایمان به عنوان یک عامل حرکت و قرار، به مثابه بیان باورها و اعتقادات و عمل به عنوان تحقق موضوع، مورد توجه قرار گرفته است. فرد مؤمن به مبدأ و معاد به پیامبران الهی اعتقاد دارد. به این اعتقاد اعتراف و بر آن اساس عمل می‌کند. وجود پیوستار اعتقاد، اقرار و عمل، آدمی را از آلوده شدن به رفتار ناشایست باز می‌دارد.

دسته دوم) روش‌های اصلاح رفتار: از نظر اسلام انسان مسئول رفتار خویش است. در قرآن مجید آمده است: «وَكُلُّ

إِنْسَانٍ لَّزَمْنَاءٌ طَائِرَةٍ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ

مَنْشُورًا»؛^۱ یعنی: ما برنامه زندگی هر انسانی را به گردن و دوش او انداختیم. «مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»^۲ هر کس راه را یافت، به سود خود راه یافته است و آنکه گمراه شد، به ضرر خویش در گمراهی رفته است و آدمی بر نفس خویش و کارکرد آن آگاه است. «وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِرُهُ»^۳ اگر پوزش طلبی و دلیل تراشی نکند و نخواهد کار خود را به این آن نسبت دهد و مسئولیت عمل خود را بپذیرد.

گاهی آدمی خطا می‌کند. در این صورت به توجیه رفتار خود می‌پردازد. گاهی گناه خود را به شیطان نسبت می‌دهد. در چنین حالتی شیطان می‌گوید: «فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ»^۴ یعنی: مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید. شیطان مسئولیت خطای آدمی را نمی‌پذیرد. خود شما مسئول اشتباه و خطای خویش هستید و باید قبول کنید که اشتباه کرده‌اید. آدمی با پذیرش اشتباه خود به اصلاح رفتار خویش می‌پردازد. یکی از راه‌های اصلاح رفتار، توبه و بازگشت به مسیر اصلی است. توبه به معنای بازگشت از خطا و حرکت در راه درست است. قرآن مجید در این باره می‌گوید: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»^۵ یعنی: همانا من چشم‌پوش و آمرزنده خطای کسی هستم که بازگردد و ایمان بیاورد و عمل شایسته

۱. سوره اسراء/ ۱۳.

۲. سوره اسراء/ ۱۵.

۳. سوره قیامه/ ۱۵.

۴. سوره ابراهیم/ ۲۲.

۵. سوره طه/ ۸۲.

داشته باشد و در راه درست بیفتد. این آیه، چهار مرحله برای اصلاح رفتار مشخص می‌کند:

(۱) بازگشت و توبه از گناه

(۲) ایمان و اعتقاد قلبی و شناخت درونی و آگاهی از اینکه برای اصلاح رفتار باید چه حرکتی انجام دهد.

(۳) عمل صالح و اقدام به کار درست

(۴) حرکت در جهت هدف و هدایت به سمت رضای خداوند تا دیگران به گناه آلوده نشوند.

در اسلام، نظام ثواب و عقاب برای اصلاح رفتار در نظر گرفته شده است. به بیان قرآن «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى»^۱؛ یعنی: آنکه با ایمان و عمل صالح رو به سوی خدا آورد، دارای درجات و مقامات بلند و رفیع می‌شود. عقاب در اسلام با سرزنش درونی شروع می‌شود. آنگاه آدمی را به قضاوت و سنگ‌دلی می‌رساند و به زیان و خاری در زندگی می‌انجامد و با مکافات وضعی، قراردادی و اخروی همراه خواهد بود.

یکی از روش‌های اصلاح رفتار در اسلام، دعاکردن است. دعا نوعی درد دل کردن و امید به موفقیت است. حضرت یعقوب در فراغ یوسف می‌گوید: «قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۲؛ یعنی: من شکایت، درد دل و

۱. سوره طه / ۷۵.

۲. سوره یوسف / ۸۶.

اندوه خود را به خداوند می‌گوییم و از جانب او آنچه را که شما نمی‌دانید، می‌دانم و انتظار دارم.

دعا نوعی پیمان است. در این پیمان، انسان درخواست می‌کند تا امکان و توفیق بیابد و بتواند در راه خیر و صلاح قدم بردارد. در نماز می‌خوانیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»؛ یعنی: خدایا ما را به راه راست هدایت فرما! راه کسانی که مورد رحمت و عنایت تو قرار گرفته‌اند، نه راه آنان که مورد غضب تو هستند و نه راه گمراهان. این نوعی پیمان است که با خداوند می‌بندی تا به ما توفیق بدهد تا در مسیر درست قدم برداریم و به گمراهی نیفتیم. دعا نوعی تلقین به نفس است.

در اسلام به اصلاح اجتماعی نیز برای اصلاح رفتار توجه شده است. پیامبر اسلام در بیست‌وسه سال دعوت خود، اعراب را به دوستی، یگانگی، برادری و برابری فراخواند. رسول‌الله می‌فرمود: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَخْدَعُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ»؛ یعنی: مسلمان برادر مسلمان است. خودش را با برادرش یکی می‌داند و آینه او است و عیب او را نشان می‌دهد. راهنمای اوست و به او خیانت و ستم نمی‌کند و نسبت به او مکر نمی‌ورزد و به او دروغ نمی‌گوید و پشت سر او صحبت نمی‌کند.

دسته سوم) روش‌های تعالی و کمال انسان، از دیدگاه اسلام انسان به سوی خدا در حرکت است. تعالی و کمال در تقرب به

خداوند و جلب رضای او است. «إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»؛^۱ یعنی: آگاه باشید که بازگشت همه کارها به خداوند است. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛^۲ یعنی: ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. این آیه قرآن مقصد زندگی آدمیان را روشن می‌کند. انسان در صورتی به سوی خداوند حرکت می‌کند که از همه نیروها و استعدادها و توانمندی‌های خود استفاده کند و شکر این نعمت‌ها را به جا آورد. شکر نعمت‌های خداوندی در این است که:

(۱) انسان برای شناخت مبدأ و مقصد زندگی از تمام توانمندی‌های خود بهره‌گیرد.

(۲) از عقل خویش برای شناخت و حل مسائل زندگی استفاده کند.

(۳) از توانایی‌های خود برای آبادکردن سرزمین خود سود گیرد.

(۴) تلاش کند تا نقش خود را در اداره خانواده و جامعه خویش ایفا کند.

با در نظر داشت راهکاره و روش‌های تعامل با مشکل و نابه‌سامانی‌های فردی و اجتماعی در اندیشه دینی و با رعایت کردن اصول اصلاحی مطرح شده، یک مشاور با رعایت این اصول میتواند به راحتی در جهت رسیدن به هدف که همان اصلاح ذات‌البینی است، دست یافته و مشکل شخصی که نیازمند مشوره است را مرتفع ساخته و دست‌آوردی‌های ذیل را کمایی کند:

۱. سوره شورا/ ۵۳.

۲. سوره بقره/ ۱۵۵.

۱- حل منازعه

منازعه همان کشمکش و اختلاف نظری است که بین دو فرد به وجود می‌آید که این اختلاف خیلی شدید نبوده، بلکه در مراحل اولیه خود قرار دارد. این اختلاف نظر ممکن است موضوعی خانوادگی باشد یا اجتماعی و یا هم تحصیلی. در هر صورت مشاور می‌تواند با رعایت اصول فوق، این منازعه را حل و از گسترش آن جلوگیری کند.

۲- ایجاد مصالحه

مصالحه در واقع نتیجه تلاش منظم، آگاهانه، دل‌سوزانه، پدرانه، انسان‌دوستانه و شرافتمندانه‌ای است که مشاور در حل منازعه از خود نشان داده است. نتیجه حل منازعه همان مصالحه است. مصالحه یعنی بازگشتن به حالت اولیه زندگی که مملو از مهر و صفا و دوستی بوده است. مصالحه یعنی درک متقابل بین دو فردی که از همدیگر آزاده‌خاطر شده بودند. مصالحه یعنی پی‌بردن به اشتباهاتی که زندگی را تلخ می‌کند و دوری‌جستن از آنها. پس در واقع مصالحه شیرین‌ترین لحظه زندگی است که می‌شود آن را تجربه کرد.

۳- کسب رضایت طرفین و رفع کدورت‌ها

این موضوع در واقع نتیجه مصالحه است. اگر ما این موارد را پی هم قرار دهیم، درخواستیم یافت که این موارد مانند زنجیره‌ای با هم پیوست دارند و در صورت تحقق یکی از آنان، می‌توان به همه دست یافت. نتیجه حل

منازعه، مصالحه است و مصالحه نتیجه حل منازعات. رفع کدورت‌ها و رضایت طرفین از زندگی نتیجه مصالحه است. پس مشاهده می‌شود که اگر مشاور در جهت ارائه مشوره‌های سالم و سازنده و رعایت اصول و معیارهای مناسب، و درک وظیفه مقدس مشاوره و آثار و پیامدهای خوب و مفید آن قدم بردارد، یقیناً که نتیجه‌ای غیر از مصالحه و رفع کدورت‌ها را نمی‌توان انتظار داشت.

دوم) پیامدهای منفی مشاوره

این امری است بدیهی که هر فعالیت اجتماعی که صورت می‌گیرد، یقیناً آثار مفید و مؤثر فراوانی به همراه دارد؛ ولی این موضوع سبب نمی‌شود که پیامدهای منفی آن را نادیده بگیریم. مشاوره غیرمسلکی که بر اساس اصول و ضوابط معینه صورت نگیرد، مطمئناً آثار و پیامدهای ناگواری را به همراه خواهد داشت. پس چه خوب است اگر فردی که تجربه یا دانش این موضوع را ندارد، از ارائه مشوره‌های ناسالم و ناآگاهانه خودداری کند؛ در غیر آن شاهد پیامدهای منفی فراوان خواهیم بود.

مشاوره غیرمسلکی یکی از بدترین روش‌های آسیب‌رسانی به شخص مشوره‌گیرنده است؛ زیرا این‌گونه مشوره‌ها فرد نیازمند را بیشتر متضرر می‌سازد و حتی ممکن است به نابودی وی منجر شود. این نوع مشوره‌ها زاییده یک سلسله عواملی است که کوتاه به آنها اشاره می‌شود؛ که در صورت پرهیز از آنان، مشاور می‌تواند مشوره مناسب و مؤثری را برای فرد نیازمند به مشوره ارائه کند. این ویژگی‌ها و رفتارها موارد زیر را شامل می‌شوند:

۱) درگیر شدن مشاور به رفتارهای نامناسب: مشاور باید از درگیر شدن در رفتارهای نامناسب مانند گپ‌های بی‌ارزش و بی‌مناسبت، درد دل‌های دوستانه، خنده‌های احمقانه (خنده‌های بدون دلیل) دوری جوید و از افشای مسائل و مشکلات شخصی مشوره‌گیرنده بپرهیزد.

۲) فقدان پاسخگویی، نصیحت کردن، سرزنش کردن و قضاوت و ارزش‌گذاری رفتار بیمار توسط مشاور می‌تواند به طور جدی به فرایند و هدایت مشوره آسیب برساند.

۳) مشکل تحمل سکوت: ضرورت دارد که مشاوران از سکوت‌هایی که در فرایند مشوره پیش می‌آید، آگاهی داشته باشند و بدانند که سکوت بایستی توسط آنان یا شخص نیازمند شکسته شود.

۴) کوشش برای ارائه مشوره به صورت زودهنگام بدون توجه به اصل مشکل: مشاوران مبتدی به دلیل وجود اضطراب و فشاری که در دست‌یابی به اهداف خود احساس می‌کنند، لزوماً برای ارائه مشوره تعجیل کرده که در نهایت فرایند مشوره را با اختلال همراه می‌سازد.

۵) باقی‌ماندن در سطح ظاهری مشکلات: مشاور در موقع مناسب می‌بایست از سطح ظاهری مشکلات فرد نیازمند عبور کند. باقی‌ماندن در سطح ظاهری مشکلات و بی‌توجهی به بررسی عمیق آن می‌تواند انگیزه دریافت مشوره را ضعیف کند. مشاور بایستی در ترغیب فرد نیازمند به بررسی لایه‌های زیرین کشمکش‌های خود و خطرات ناشی از تجربه زودهنگام مشکلات

مهارت لازم را داشته باشد و به گونه ای مناسب بین این دو تعادل برقرار کند.

۶) بی توجهی نسبت به زمان کافی برای خاتمه مشاوره: مشاور باید در ارائه مشوره، زمان را بشناسد و ارائه مشوره را طولانی نسازد. به هر حال، مرحله نهایی مشاوره نیازمند طراحی و ارزیابی منطقی است تا از عود مشکل جلوگیری کند.

۷) ستیزه کردن و مخالفت با فرد نیازمند، یکی دیگر از ویژگی های تخریب کننده در مشوره محسوب می شود. مواردی مثل: فقدان و جلوگیری از خلاقیت، ناتوانی در به کارگیری از مزاح، ناتوانی در انتقادپذیری، وحدت فردی ناکافی، کوتاهی در اطلاع از محدودت های خود، رفتار آمرانه و تبدیل شدن مشاوره به ارتباطی یک طرفه و سخنرانی برای فرد نیازمند، از رفتارهایی هستند که فرایند یک مشاوره مؤثر را تخریب کرده و به فرد نیازمند آسیب جدی وارد می کند.

۸) در برخی مواقع اتفاق می افتد که مشاور به جای توجه به حل مشکل فرد نیازمندی که پیشش آماده است، به افراد دیگری تمرکز و توجه می کند که این عمل، خلاف آموزه های مشوره دهی مناسب است.

با در نظر داشت موارد فوق می توان گفت که از طریق ایجاد رابطه خاص مشاوره ای، مشاور به فرد نیازمند به مشوره کمک می کند تا راه حلی برای مشکل خود بیابد. به نظر پاترسون، ارائه اطلاعات صرف، پند و اندرز دادن و تلقین افکار و عقاید به دیگران را هیچ گاه نمی توان مشاوره دانست. به نظر او، رابطه

حسنة بین فرد مشوره گیرنده و مشاور اثر مثبت و مهمی در روند مشاوری دارد؛ طوری که اگر مشاور نتواند چنین رابطه مطلوبی را ایجاد کند، مشکل مراجع در حد مطلوبی حل نخواهد شد.

سوم) چگونگی ارجاع مستفیدین

تمام مواردی که میتواند مشاور را در جهت رسیدن به هدف اصلی آن (کمک به دیگران برای یافتن مسیر سالم زندگی) یاری رساند، در سراسر این نوشته به آن تصریح شده و راهنمایی‌های لازم صورت گرفته است. ولی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مشاوران در حوزه جامعه ما باید به آن توجه داشته باشند، مواجه شدن با مسائلی است که راه حل آن را نمی‌دانند و یا می‌دانند، ولی حل آن مشکل از توان آنان خارج است. در چنین حالتی مشاوران عزیز چه باید کنند؟ در چنین مواردی بهترین کار، ارجاع یا فرستادن مستفیدین (افراد مشوره گیرنده) به مراجعی است که در این عرصه از تجربه کافی برخوردارند؛ تا این افراد یا نهادهای باتجربه برای افراد نیازمند به مشوره، بهترین راه حل را نشان داده و مسیر درست زندگی را برای آنان معرفی کنند.

۱) ارجاع قضایا جهت اخذ مشوره

به تعبیر قرآن «فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ»؛ یعنی: همیشه افرادی هستند که از بعضی دیگر بیشتر می‌دانند و یا در عرصه حل معضلات اجتماعی و خانوادگی از تجارب بهتری نسبت به ما برخوردارند. ما نباید به این فکر باشیم که همه چیز را

می‌دانیم؛ بلکه کسانی هستند که در این عرصه تلاش‌هایی کرده‌اند، شکست و پیروزی‌هایی را تجربه کرده‌اند. پس خوب است که مستفیدین و مشوره‌گیرندگان را به چنین افراد و نهادهایی معرفی کنیم تا از مشکل و معضلی که در اثر عوامل مختلف، وارد زندگی‌شان شده، به بهترین وضع خارج شوند؛ به صلح و صفا، آرامش و امنیت، سعادت و خوشی دست یابند.

۲) ارجاع قضیه جهت حل مشکل مستفید شوند:

شخصیت‌های اجتماعی جامعه ما که مورد توجه مردم‌اند، باید مد نظر داشته باشند اگر آنها توان حل معضل و مشکل شخص یا فردی را که به آنان مراجعه می‌کنند، ندارند، باید برای حل شدن مشکل آن فرد، او را به افراد و نهادهای باتجربه و فعالین اجتماعی ارجاع دهند. اما موضوع مهم این است که ارجاع افراد نیازمند به مراکز مشوره‌دهی، قطعاً و باید با مشوره و رضایت فرد نیازمند انجام شود. زیرا مشکلات و معضلات وی شاید بُعد حیثیتی داشته باشد و نخواهد که دیگران از آن باخبر شوند. بنابراین قبل از ارجاع وی به افراد یا نهادها و مؤسسات مشوره‌دهی، با فرد نیازمند صحبت کنند و در این مورد رضایت وی را به دست بیاورند. اگر آن فرد موافق بود، او را به نهادهایی ارجاع دهند که صادقانه و بدون هدف سوء، خدمات اجتماعی ارائه می‌کنند.

نتیجه‌گیری

اگر خواسته باشیم مزایا و نتایج این موضوع یعنی ارائه مشوره مناسب و مفید را با در نظر داشت اصول و معیارهای متذکره برشماریم، در مشاوره به چند موضوع مهم خواهیم رسید:

(۱) مشاوره برای افرادی که مشکل شخصی دارند، روش تأثیرگذاری است. مشاوره برای رفع مشکلات شخصی افراد، زمینه مناسبی را فراهم می‌سازد.

(۲) مشاوره روشی است انسانی و الهی که افراد را قادر می‌سازد تا بر نابه‌سامانی‌های زندگی فایز آیند.

(۳) مشکلات حل نشده نه تنها باعث بدبختی می‌شوند بلکه کارایی و توانمندی‌های افراد را نیز کاهش می‌دهند. برای مقابله با این معضل، مشاوره روش بسیار مؤثری است.

(۴) مشاوره تصمیماتی به همراه دارد که نتایج آنها بسیار ماندگار است.

(۵) مشاوره باعث رشد و ترقی انسان می‌شود و افراد را تشویق و کمک می‌کند تا به خودشان فکر کنند و برای حل مشکلات آینده، آماده‌تر شوند.

(۶) مشاوره افراد را قادر می‌سازد تا خودشان تصمیم بگیرند که چه چیزی برای‌شان بهتر است؛ و سیستم «خودت تصمیم بگیر!» را در وجود افراد تقویت می‌کند.

(۷) مشاوره راهی است که بزرگان، خانواده‌ها، معلمان و فعالان اجتماعی می‌توانند قدرت خود را در آن به طور مؤثر اما

در قالبی غیراستبدادی محک بزنند.

۸) مشاوره سبب رشد شخصیت اشخاص شده و به آنها کمک می‌کند تا با حقیقت استقلال شخصیت خود رو برو شوند و بدانند که برای انتخاب، آزادند.

۹) مشاور همیشه با تغییر نگرش‌ها نسبت به تحولات زندگی همگام است.

۱۰) مشاوره یکی از راه‌هایی است که فرصتی را برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد که نگرانی واقعی نسبت به اعضای‌شان را نشان دهند؛ و خانواده را قادر می‌سازد تا رشد و توسعه آنها را تسهیل کند. مشاور باعث می‌شود تا اعضای خانواده حد و مرز اقتدارش را تشخیص دهند و ممنوعیت‌های عبور از مرزها را به زیردستان‌شان نشان دهند.

۱۱) مشاوره برای افراد نیازمند به مشوره فرصت‌های تحلیل و روشن‌سازی مشکلات را فراهم می‌سازد تا آنان با تجربه کردن روش‌های تازه و دیدگاه‌های مناسب، راه‌های جدیدی را برای بهتریستن فراهم کنند.

فصل پنجم

آشنایی با نهادهای ارائه‌کننده خدمات حقوقی رایگان

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مقابل افراد جامعه ما این است که با فرهنگ مشاوره آشنایی ندارند. این امر سبب وارد ساختن آسیب‌های ناگوار بر فرد، خانواده و جامعه شده است. فرد مشوره‌گیرنده فکر می‌کند که اگر با کسی مشوره کند، ضعف خود را به دیگران نشان داده است. کسی هم که مشوره می‌دهد، فکر می‌کند که دیگران به او نیازمندند. همه این موارد سبب می‌شود که افراد نتوانند برای حل معضلات‌شان به دیگری مراجعه کنند.

خوشبختانه در این اواخر در اثر رشد جامعه مدنی و فرهنگ تبادل نظر به نوعی در جامعه ما موضوع مشوره و مطرح کردن مشکلات با افراد متخصص به صورت خوبی مطرح شده و بار اصلی این مسئولیت را هم برخی از نهادها به دوش دارند که در واقع گامی است مؤثر برای رفع بسیاری از مشکلات فردی،

خانوادگی و اجتماعی. ولی بسیاری از شهروندان ما از وجود چنین نهادهایی که خدمات مشوره‌دهی را به صورت رایگان ارائه می‌دارند، بی‌خبرند. به همین دلیل لازم دانسته شد تا با معرفی مختصر برخی از این مؤسسات و نهادهای مدنی، شهروندان و علاقه‌مندان در روشنی قرار گیرند.

۱) ریاست امور زنان

ریاست امور زنان یکی از ادارات کلیدی بوده که زیرمجموعه وزارت امور زنان در مرکز می‌باشد و این ریاست در تمام ولایات موجود است. ریاست امور زنان از طریق مدیریت‌های مربوطه‌اش که زیرمجموعه این ریاست است، اهداف و پلان‌های خود را تطبیق می‌کند. این ریاست دارای مدیریت‌های حقوق، فرهنگی، صحتی، اقتصادی و اجتماعی است.

مدیریت عمومی حقوق از جمله مدیریت‌های مهم این ریاست است. این مدیریت به مشکلات خانوادگی و اجتماعی پرداخته و از طریق مشوره‌دهی در برطرف کردن این مشکلات سعی می‌کند. این ریاست در طول هفته عرایض واصله را جمع‌آوری می‌کند و در هر هفته یک روز مشخص را برای مشوره‌دهی انتخاب می‌کند. به طور مثال مدیریت عمومی حقوق ولایت هرات روزهای یکشنبه، جلسه مشوره‌دهی دارد که در این روز، یک نماینده از مؤسسات و نهادهای همکار و همچنین کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده و برای خانم‌هایی که مشکلات حقوقی دارند، مشوره‌های لازم را می‌دهند. در نتیجه بعضی قضایا مصالحه می‌شوند؛ اما بعضی قضایای دیگر در صورتی که مصالحه نشوند، به مراجع عدلی و قضایی راهنمایی می‌شوند.

۲) ندای زن

مؤسسه ندای زن (VWO) یک مؤسسه غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیرجانبدار است که برای برگرداندن نقش زنان در جامعه افغانی از طریق دادخواهی برای حقوق زنان، حمایت‌های حقوقی و اجتماعی و ظرفیت‌سازی زنان تلاش می‌کند. این مؤسسه به طور غیررسمی در سال ۱۹۹۸ میلادی (۱۳۷۷ خورشیدی) در کابل تأسیس شد. در آن زمان فعالیت اولیه این مؤسسه راه‌اندازی مکاتب پنهانی به منظور آموزش دختران جوان در فضای خطر رژی‌م سرکوب‌گر طالبان بود. این مؤسسه در سال ۲۰۰۲ شخصیت حقوقی خود را با کسب مجوز قانونی و ثبت شدن در دولت افغانستان به عنوان نخستین NGO زنان افغان به دست آورد. بعد از آن، این مؤسسه برای انکشاف سطح اقتصادی زنان، پروژه‌های متعددی را اجرا کرد.

مؤسسه ندای زن به منظور گسترش سطح فعالیت‌های خود از کابل به شهر هرات انتقال یافت. در اوایل، توجه این نهاد روی موضوعات زنان متمرکز بود که مطابق با آن، در سال ۲۰۰۵ این مؤسسه اولین مرکز حمایوی زنان (Shelter) را برای زنان مواجه با خشونت در شهر هرات تأسیس کرد. ضمناً توجه بیشتری برای ارائه خدمات رشد مساوات جنسیتی، فراهم‌سازی تعلیمات، مساعدت‌های حقوقی و اجتماعی و افزایش آگاهی برای زنان معطوف داشت.

مؤسسه ندای زن به تدریج سطح فعالیت خویش را گسترش داد و در سال ۲۰۰۹ دفتر ولایتی خود را در ولایت بادغیس که

محور تمرکز آن بیشتر روی موضوعات حمایت‌های اجتماعی و حقوقی زنان این ولایت بود، تأسیس کرد. متعاقباً در سال ۲۰۱۰، دفتر ولایتی دیگری را در ولایت غور و در سال ۲۰۱۲ در ولایت فراه تأسیس کرد. بنا بر درخواست مردم و نیاز مبرم در زون جنوب غرب کشور، مؤسسه ندای زن در سال ۲۰۱۳ دفتر ولایتی خود را در ولایت نیمروز نیز تأسیس کرد. مؤسسه ندای زن در پهلوی تأسیس مراکز حمایتی زنان، مراکز مشاوره‌دهی فامیلی را برای اولین بار در ولایت بادغیس و متعاقباً در اکتوبر ۲۰۱۲ در ولایات غور و فراه برای حفاظت از زنان مواجه با خطر و خشونت‌های فامیلی تأسیس کرد. این مراکز، خدمات مساعدت‌های حقوقی را برای زنان مواجه با خطر و خانواده‌هایی که مشکلات حقوقی دارند، فراهم می‌کند.

مرکز مشاوره فامیلی مرکز حمایتی زنان مؤسسه ندای زن در ولایت هرات، مهم‌ترین مرکز مشاوره خانواده می‌باشد که برای مستفیدین مرکز حمایتی، خانواده‌های مستفیدین و مراجعینی که نیازمند مشاوره می‌باشند در سال ۲۰۰۵ میلادی (۱۳۸۴ ه.ش) تأسیس شده و تاکنون خدمات آن ادامه دارد و خانواده‌ها به این مرکز جهت دریافت مشاوره حقوقی برای حل مشکلات فامیلی‌شان مراجعه می‌کنند و از جلسات مشاوره‌دهی حقوقی و میانجی‌گری مستفید می‌شوند. همچنین برای قضایای نیازمند به مساعدت حقوقی، وکلای مدافع رایگان برای پیش‌برد و تعقیب قضایا در محاکم تعیین و معرفی می‌شود. هدف از ایجاد مرکز مشاوره فامیلی، ارائه مشاوره حقوقی برای مراجعین و برای قربانیان خشونت و خانواده‌های‌شان می‌باشد تا از واقعاتی مانند فرار از منزل، خودکشی و دیگر خشونت‌ها جلوگیری شود.

ما بر این باوریم که داشتن یک جامعه مترقی و استوار مستلزم توانمندسازی زنان برای داشتن سهم فعال در پروسه‌های تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی و دادخواهی از حقوق آنها و فراهم‌سازی زمینه تحصیل می‌باشد.

۳) دارالمشوره حقوقی رایگان

پروژه دارالمشوره حقوقی رایگان از ماه جولای ۲۰۱۱ بدین سو در محکمه استیناف ولایت هرات جنب محکمه فامیلی فعالیت می‌کند.

هدف:

- افزایش دسترسی زنان و سایر اقشار آسیب‌پذیر جامعه به عدالت رسمی و ارائه مساعدت و مشاوره حقوقی رایگان
مقاصد:

- افزایش دسترسی زنان و سایر اقشار آسیب‌پذیر جامعه به عدالت رسمی

- بالابردن سطح آگاهی افراد پیرامون موضوعات حقوقی
- تقویت و ظرفیت‌سازی نهادهای همکار روی موضوعات مبارزه با خشونت علیه زنان و موضوعات حقوق خانواده
فعالیت‌ها:

- ارائه مشوره حقوقی (فامیلی، جزایی و تجارتي) به اشخاصی که مشکلات حقوقی دارند.
- ارائه مساعدت حقوقی در قضایای فامیلی برای خانم‌هایی که مشکلات فامیلی دارند.
- تهیه تحریرات حقوقی برای کسانی که مشکل حقوقی

- داشته و به محکمه مراجعه می‌کنند.
- ارجاع قضایای غیرفامیلی که نیاز به مساعدت حقوقی دارند به ارگان‌ها و دفاتر ذی‌الربط.
- دایرکردن برنامه‌های آگاهی عامه در مورد موضوعات فامیلی و قانون منع خشونت در مکاتب دخترانه و شوراهای محل و قریه‌جات.
- دایرکردن ورکشاپ‌های ظرفیت‌سازی برای کارمندان ریاست عدلیه، آمریت حقوق و آمریت مساعدت‌های حقوقی

۴) آمریت مساعدت‌های حقوقی

اداره مساعدت‌های حقوقی یکی از ادارات مربوطه وزارت عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان است. هدف کاری این اداره، دفاع از حقوق متهمین و مظنونین بی‌بضاعت به صورت رایگان و دسترسی آنها به عدالت، مطابق ماده ۳۱ قانون اساسی، قانون وکلای مدافع، مقرر مساعدت‌های حقوقی و سایر قوانین نافذه کشور می‌باشد. برای پیش‌برد این هدف، در مرکز ریاست مساعدت‌های حقوقی و در ولایات، آمریت مساعدت‌های حقوقی در تشکیل ریاست عدلیه فعالیت می‌کند؛ که در قضایای جنایی برای متهمین و مظنونین بی‌بضاعت و در صورت امکان در قضایای مدنی برای «اطفال و زنان بی‌بضاعت» مساعدت حقوقی ارائه می‌کنند.

اداره مساعدت‌های حقوقی دارای اهداف، وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

- فراهم کردن زمینه دسترسی مظنونین و متهمین بی‌بضاعت

- به مساعدت حقوقی رایگان
- تأمین حقوق مظنون و متهم بی بضاعت حین ارائه مساعدت حقوقی
- ارائه مساعدت حقوقی قابل اعتماد به مظنون و متهم به صورت دوام دار
- تنظیم ارائه مساعدت حقوقی رایگان توسط وکلای مدافع
- انسجام فعالیت مساعدین حقوقی اداره مساعدت های حقوقی و مؤسسات غیردولتی دارنده جواز فعالیت مساعدت حقوقی در قضایای جزایی و مدنی
- نظارت از مساعدت حقوقی و ارزیابی اجرائات مساعدین حقوقی
- توظیف مساعد حقوقی برای زنان و اطفال بی بضاعت در قضایای مدنی
- حصول اطمینان از همکاری مسئولین ادارات حقوقی و عدلی با مساعدین حقوقی مربوطه حین انجام وظیفه
- در صورت امکان، توظیف مساعد حقوقی غرض ارائه مساعدت حقوقی در قضایای مدنی برای اطفال و زنان بی بضاعت
- جمع آوری احصائیه دقیق مساعدت های ارائه شده به مظنونین و متهمین
- نظارت از اجرائات مساعدین حقوقی مربوط در هر مرحله ای از تعقیب عدلی
- تنظیم برنامه های آگاهی عامه حقوقی در سطح ولایت برای عامه مردم

دولت جمهوری اسلامی افغانستان زمینه دسترسی مردم به عدالت از طریق ارائه خدمات حقوقی رایگان در قضایای جزایی برای همه اقشار و در قضایای حقوقی خاصاً برای زنان، اطفال و همچنین ارائه مشوره‌های حقوقی و آگاهی‌دهی حقوقی ارزنده را فراهم می‌سازد.

(۵) انجمن مستقل وکلای افغانستان

نماینده‌ی انجمن مستقل وکلای مدافع در هرات در ماه قوس ۱۳۹۱ به منظور فراهم‌آوری سهولت‌های لازم کاری برای وکلای مدافع، توسعه فرهنگ وکالت دفاع، تدویر برنامه‌های آگاهی‌دهی حقوقی برای مردم، توسعه حاکمیت قانون، دسترسی مردم به عدالت و خدمات حقوقی، ارائه مساعدت و مشوره‌های حقوقی رایگان برای افراد نیازمند و سایر اهداف تعیین‌شده مطابق استراتژی و پلان در هرات تأسیس و افتتاح شد.

در انجمن وکلای مدافع هرات تقریباً تعداد ۴۰۰ تن (اعم از زن و مرد) جواز وکالت داشته و عملاً فعالیت دارند که معمولاً وکلای هرات در سه بخش زیر فعالیت دارند:

- (۱) تعدادی‌شان در مؤسسات غیردولتی مصروف کار هستند. (انجوها و مؤسسات حقوقی)
- (۲) تعدادی‌شان در ارگان‌های دولتی مصروف خدمات حقوقی‌اند. (آمریت مساعدت‌های حقوقی)
- (۳) تعدادی‌شان به طور آزاد فعالیت دارند. (شرکت‌ها و دارالوکاله‌های حقوقی)

۶) مؤسسه NRC

دفتر هیئت ناروی برای مهاجرین (NRC) یک نهاد غیردولتی، بشردوستانه و مستقل است که در راستای حمایت و ارتقای حقوق افراد متأثر از بی‌جاشدگی/آوارگی از طریق اجرای برنامه سرپناه‌سازی، تعلیم و تربیه، معیشت، اطلاع‌رسانی، مشاوره و مساعدت حقوقی و پاسخ به نیازهای عاجل در شرایط اضطراری فعالیت می‌کند. این نهاد در سال ۲۰۰۳ در افغانستان آغاز به کار کرد و از سال ۲۰۰۵ در ولایت هرات فعالیت می‌کند. این دفتر از طریق برنامه اطلاع‌رسانی، مشاوره و مساعدت حقوقی به آن عده از مهاجرین، عودت‌کنندگان، بی‌جاشدگان داخلی و سایر جوامع متأثر از بی‌جاشدگی/آوارگی که در رابطه با مسکن، زمین، ملکیت و اسناد مدنی نیاز به مساعدت و یا مشاوره حقوقی داشته باشند، به طور رایگان خدمات حقوقی ارائه می‌کند.

به صورت مشخص‌تر، برنامه اطلاع‌رسانی، مشاوره و مساعدت حقوقی این دفتر شامل فعالیت‌های ذیل می‌باشد:

- تدویر دوره‌های آموزشی حقوقی برای اعضای سیستم

عدلی رسمی و غیررسمی

- تعقیب قضایای حقوقی از طریق سیستم عدلی رسمی

و غیررسمی

- اطلاع‌رسانی و مشوره‌دهی

- اهدای کتاب‌های حقوقی به ادارات عدلی و قضایی و

شوراهای مردمی

- تسهیل دوره‌های کارآموزی برای تازه‌فارغان

پوهنځی‌های شرعیات، حقوق و اعضای شوراهای
محلی
- ارجاع قضایای جزایی به سایر ارائه‌کنندگان خدمات
حقوقی رایگان
- ارجاع قضایای افراد دارای نیازمندی‌های خاص به
مراجع کمک‌کننده

۷) کلینیک حقوقی پوهنتون هرات

کلینیک حقوقی پوهنتون هرات در سال ۱۳۸۷ به منظور ارتقای دانش مسلکی و کسب مهارت‌های حقوقی عملی محصلان پوهنځی‌های شرعیات و حقوق با حمایت مالی مؤسسه «OSA» به عنوان اولین مرکز کلینیکی در سطح افغانستان در چارچوب پوهنځی‌های مذکور ایجاد شد. این مرکز بعد از اخذ مجوز رسمی از سوی مورد مستقل مساعدت‌های حقوقی در کنار سایر نهادهای حقوقی مستقر در ولایت هرات، تاکنون در بخش آموزش مهارت‌های مسلکی برای محصلان پوهنځی‌های شرعیات و حقوق، ارائه مساعدت‌های حقوقی رایگان برای اقشار بی‌بضاعت، زنان و اطفال و آگاهی‌دهی حقوقی عامه از طریق برنامه «استریت لا» خدمات ارزنده‌ای را ارائه می‌کند.

در بدو تأسیس، صرف برنامه ارائه مشوره مدنی به اجرا گذاشته شد. بعداً نظر به مؤثریت این برنامه و نیازهای بیشتر قشر محصل به کارهای عملی بیشتر همسان با برنامه‌های درسی پوهنځی‌های حقوق و شرعیات، برنامه وکالت دفاع جزایی نیز نظر به توجه ادارات همکار خاصاً دفتر محترم «OSA» به

فعالیت آغاز کرد که روند فعالیت هر دو بخش تقریباً با هم یکسان است.

برای اولین بار برنامه آگاهی‌دهی حقوقی یا «street law» بر اثر توجه مسئولین پوهنچی‌های حقوق و شرعیات و زحمت‌کشی‌های بی‌دریغانه کارمندان کلینیک حقوقی پوهنتون هرات و حمایت‌های پیگیر و دوام‌دار دفتر محترم «OSA»، در تاریخ اول جنوری سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز به کار کرد که روند این برنامه‌ها تاکنون تحت حمایت دفتر تمویل‌کننده متذکره ادامه دارد.

از آنجایی که معلمین در تربیت و ساختن نسلی موفق در جامعه از اهمیت به‌سزایی برخوردارند و مورد توجه دولت‌ها قرار دارند، بدین منظور خوب است که کلینیک حقوقی پوهنتون هرات با حمایت پوهنچی‌های حقوق و شرعیات پوهنتون هرات و همکاری‌های ریاست محترم پوهنتون و معارف این ولایت، با در نظر داشت این امر مهم و حیاتی و بر اثر درخواست مکرر معلمین مکاتب مختلف شهر هرات و نیازسنجی‌های آموزشی محصلین و شرایط محیطی و تحت نظر قراردادادن اقشار آسیب‌دیده جامعه مبنی بر برگزاری برنامه‌های آگاهی‌دهی حقوقی و تحت پوشش قرارگرفتن آنان چه از طریق مساعدت و یا برنامه‌های آگاهی‌دهی و برگزاری ورکشاپ برای خانم‌ها، در راستای انکشاف و گسترش این برنامه‌ها و برنامه جانبی و آموزشی حقوقی دیگری قدم‌های استوار برداشته و در راستای آگاهی‌دهی حقوقی برای معلمین نیز اقدام عملی کند.

این گام می‌تواند نقش مؤثری در بلندبردن سطح دانش حقوقی

اقتشار مختلف جامعه علی‌الخصوص قشر آموزگاران و مربیان و جلوگیری از ضیاع حقوق آسیب‌دیدگان داشته باشد. این کار در حقیقت باعث خواهد شد تا گام‌های مهم و بلندی در راستای پیشرفت و ترقی همه‌جانبه کشور برداشته شود و روزنه امیدی برای فردای بهتر محسوب شود. همچنین نظر به میریت این موضوع، جهت غنامندسازی سکتور عدلی و قضایی افغانستان و بر اساس تصویب سمپوزیم ملی کابل و وزارت تحصیلات عالی جزء کاریکولم و لایحه کریدیت پوهنچی‌های حقوق و شرعیات شده که به عنوان مضمون اساسی دوکریدیت محسوب می‌شود.

۸) د قانون غوشتونکی

مؤسسه «د قانون غوشتونکی» در سال ۲۰۰۶ در افغانستان و به ریاست خانم فرشته کریمی تأسیس شد. علاوه بر دفتر مرکزی این مؤسسه، دفاتر ساحوی آن هم در چهار زون غرب، شرق، جنوب و مرکز ایجاد شد که دفتر زون جنوب در سال ۲۰۰۹ به شمال منتقل شد. علاوه بر مراکز زون‌های متذکره، ۱۷ ولایت دیگر تحت پوشش فعالیت‌های این دفتر قرار دارند. در کل، فعالیت‌های این مؤسسه در سه دسته قابل تقسیم است:

۱) مساعدت حقوقی در قضایای جزایی و فامیلی برای افراد نیازمند و بی‌بضاعت

۲) ارتقای ظرفیت که شامل بلندبردن دانش حقوقی و مسلکی کارکنان ادارات عدلی و قضایی اعم از قضات، ثارنوالان، پولیس، وکلای مدافع و فارغان پوهنچی‌های حقوق و شرعیات می‌باشد.

۳) آگاهی‌دهی که شامل:

الف: تدویر برنامه‌های آگاهی‌دهی و یا کلینیک‌های سیار

حقوقی برای عامه مردم

ب: چاپ و نشر کتب، مجلات، رساله‌ها، بروشور، بیل‌بورد

و پوستر

ج: نشر برنامه‌های حقوقی از طریق تلویزیون

۹) میدیکا افغانستان (Medica Afghanistan)

میدیکا افغانستان، یک مؤسسه ملی غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرحزبی و بی‌طرف زنان افغان می‌باشد. هدف اصلی تأسیس آن حمایت از زنان و دختران آسیب‌دیده و متضرر از جنگ و سایر خشونت‌ها است. میدیکا افغانستان تلاش می‌کند تا از طریق ارائه مستقیم خدمات روانی - اجتماعی و خدمات حقوقی، کیفیت زندگی زنان را بهبود ببخشد. این مؤسسه همچنین در عرصه‌های صحت، تعلیم و تربیه و قانون، سطح آگاهی و ظرفیت آنان را بلند برده، پالیسی‌های محلی و ملی محور خشونت علیه زنان و دختران را دادخواهی می‌کند. در یک نگاه کلی فعالیت‌های این مؤسسه در برگیرنده موارد ذیل می‌باشد:

۱) حمایت از زنان و دختران دچار آسیب روحی: این حمایت مشتمل بر مشوره روانی - اجتماعی، تعلیمات غیررسمی، مشوره‌های حقوقی، وکالت از حقوق زنان، فعالیت‌های کار اجتماعی و میانجی‌گری خانوادگی می‌باشد.

۲) برنامه مساعدت حقوقی: برنامه مساعدت حقوقی به

نیازمندی زنان افغان برای حصول عدالت رسیدگی می‌کند؛ تا باشد خلائی بزرگ که همانا خدمات حقوقی نهایتاً محدود برای زنانی که تحت پیگرد قانونی اند یا دعاوی مدنی دارند، را تکمیل کند. خدمات برنامه مساعدت حقوقی شامل: وکالت مدافع قضایای جرمی، نیابت در اقدامات مدنی، وساطت، ارتقای آگاهی حقوقی، ارائه مشوره‌های حقوقی و ادغام مصون زندانیان زن در خانواده‌های‌شان می‌باشد.

۳) برنامه دادخواهی برای حقوق اسلامی و قانونی زنان افغان: میدیکا افغانستان برای تطبیق قانون محو خشونت علیه زنان، فعالیت‌های دادخواهی انجام می‌دهد. برنامه دادخواهی در رابطه با تصویب قانون خانواده که حامی حقوق زنان است و در کمیته تسوید قانون خانواده که مشتمل بر کارشناسان افغان می‌باشد و از جانب وزارت امور زنان تشکیل شده، نقش فعال بازی می‌کند.

منابع و مأخذ:

۱. - ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا) لسان العرب، ج ۳، دار صادر، بیروت.
۲. - اردبیلی، یوسف (۱۳۸۹ش). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش. تهران، انتشارات بعثت.
۳. - شنایدر کوری، ماریان و کوری، جerald. (۱۳۸۲ش). گروه درمانی، ترجمه: سیف الله بهاری و همکاران، انتشارات روان.
۴. - السجستانی الازدی، ابی داود سلیمان ابن الاشعث. (بی تا). سنن ابی داود، ج ۴. بیروت؛ دارالفکر.
۵. - آلوسی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). روح المعانی. ج ۱۳. بیروت؛ دارالفکر.
۶. - ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک (۱۲۹۵ ق)، سنن الترمذی، تحقیق: احمد شاکر، مکتبه الحلبی، ج ۱، مصر.
۷. - جصاص، احمد بن علی ابوبکر. (۱۹۹۴ م). جامع الاحکام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. - خلیل، فوزی. (۱۴۱۷ ق). دور اهل الحل و العقد فی النموذج الاسلامی لنظام الحكم. قاهره المعهد العالمی للفکر الاسلامی. قاهره.
۹. - دی برد، رتبرت. (۱۳۹۱ش). مهارت های. مشاوره ای، ترجمه: اسماعیل اسدپور و دیگران. تهران: انتشارات انسان برتر.
۱۰. - رازی، فخر الدین. (۱۴۱۶ق). التفسیر الکبیر. ج ۶. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. - زاهدی کاشانی، علی احمد. (۱۳۸۳ش)، فرهنگ عربی جامع اللسان. تهران: نشر نگاه نو.
۱۲. - شریفی، حسن و حسینی، سیدمهدی. (۱۳۷۰ش)، اصول و

- روش‌های راهنمایی و مشاوره، تهران: انتشارات رشد.
۱۳. - شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۶۴ش)، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۴. - شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. - شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۳ش)، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۶. - طحان، مصطفی محمد. (۱۴۲۳ق)، الشوری و دورها فی تقدم الفرد و المجتمع، (بی‌جا). کویت: دارالاصلاح.
۱۷. - علی محمد. (بی‌تا). الشوری فریضه اسلامیه. دمشق: دار ابن کثیر.
۱۸. - فارسی، محمد بن محمد بن سلیمان. (۸۰۷ ق) مجمع الزوائد. ج ۱، بیروت: دار ابن حزم.
۱۹. - گیسون، رابرت و میشل، ماریان. (۱۳۷۳ش). مبانی مشاوره و راهنمایی. ترجمه: باقر ثنایی، تهران: ویراستار.
۲۰. - مبارکفوری، محمد بن عبدالرحمن بن عبدالرحیم. (بی‌تا). تحفة الاحوذی بشرح سنن ترمذی. ج ۶. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. - مردی، مجید. (۱۳۸۸ش). آشنایی با اصول و مبانی راهنمایی و مشاوره. تهران: انتشارات اداره بهداشت و درمان ارتش.
۲۲. - معین، محمد (۱۳۶۷ش)، فرهنگ معین. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
۲۳. - نسفی، ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمود. (۱۴۱۹ق)، تفسیر النسفی. ج ۲. بیروت: دارالکلم الطیب.
۲۴. - نوایی‌نژاد، شکوه. (۱۳۷۳ش)، راهنمایی و مشاوره. تهران: انتشارات معاصر.
۲۵. - نوایی‌نژاد، شکوه. (۱۳۷۴ش). راهنمایی و مشاوره گروهی. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

